

پیدایش و تحول رژیم مافیایها: مافیای عظیم خامنه‌ای:

انقلاب اسلامی: در رابطه با گروههای مافیایی حاکم بر ایران مطالب بسیاری نوشته شده است ولی به دلیل حضور کلیه گرایشهای راست و چپ یا به اصطلاح امروزی ها گروههای اصولگرا و اصلاح طلب در دولت مافیایها به سختی می توان به اطلاعات درستی از این باندها و دسته ها دست یافت .

با بر سر کار آمدن حکومت خاتمی و با رسیدن علی یونسی به وزارت به نظر می رسید که این باندها تضعیف شده باشند. آن روزها، خاتمی گفته بود چشم فتنه را در می آورد و یونسی نیز گفته بود: اینها ۵۰۰ نفر بیشتر در کل کشور نیستند که شناسایی شده اند . سالها از زمان دادن آن شعارها و این « اعلان تصمیم» ها به ریشه کن کردن مافیایها از دولت، گذشت و امروز بار دیگر همین باندها را می بینیم که در کشور با قدرت بیشتر در تحکیم حاکمیت جور و ستم، بر تلاش خود افزوده اند .

اگر نبود افشاگری های داخلی و خارجی و معرفی برخی از جنایتکاران شاید هم اینک «رهبر» و دستگاه ولایت فقیه اینقدر بر باز سازی تشکیلات خود مصر نبودند .

ضربه نهایی در جریان افشای قتل های سیاسی - رژیم آنها را قتلهای زنجیره ای می خواند تا جنایت خود را بپوشاند - بر آنها وارد شد. پیش از آن، ضربه های مهلک افشای اکتبر سورپرایز و ایران گیت ها و افشای جنایت سران رژیم در دادگاه میکونوس و ترورهای دیگر رژیم، مافیایها و سازمان ترور آنها را ناتوان ساخته بودند.

دستگاه ولایت فقیه، با بر سر کار آوردن حکومت احمدی نژاد، به مافیایها فرصت داد تا بخش سیاسی خود را باز سازی کنند. مافیایهای سیاسی و نظامی - مالی و روحانی - مالی بر دولت مسلط شدند و اینک دولت را در اختیار دارند. مقاومت بی چون و چرا و سرفرازانه مردم ایران، تکیه گاهی جز مافیایها برای رژیم ولایت فقیه باقی نگذاشته است. جنایت و فساد که این مافیایها می گسترند، انزوای بیشتر رژیم را سبب می شوند.

در این تحقیق، تلاش می شود با تکیه بر اطلاعات درز کرده و درز نکرده، در حد توان اندکی که در اختیار است به معرفی باندها پرداخته شود. از آنجا که این نشریه سال ها است که، با حمایت و یاری هموطنان خود، به معرفی مافیایها و جلب توجه ایرانیان به خطری پرداخته است که برای استقلال و بسا موجودیت ایران ببار می آورند و فرصتهای بس ذیقیمت که می سوزانند، از همگان انتظار دارد هر اطلاع و داده ای را در اختیار دارند و یا بدست می آورند، برای انتشار در اختیار قرار دهند .

* مقدمه کوتاه پژوهش گران:

در آغاز کار به این می اندیشیدیم که این باندها و گروهها از چه زمانی و توسط چه کسانی ایجاد شده اند و به چه دلیل در این زمان به راحتی می توانند حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کنند؟

در ابتدا قصد داشتیم تنها در مورد گروهها و باندهای مافیایی دوره خامنه ای تحقیق کنیم. اما هر چه در کار جلو تر می رفتیم بیشتر متوجه می شدیم که باید به قبل تر از آن، یعنی به دوره ای نیز پرداخت که خود خمینی زنده بود و خود را مرکز قدرت گرداند و بر گرد این مرکز، مافیایها در دولت و بیرون از آن شکل گرفتند.

در نهایت متوجه شدیم که تا سال ۶۰ و زمان کودتا بر ضد بنی صدر این استبدادبان روحانی نما نتوانسته بودند حاکمیت خود را بر ایران بطور کامل برقرار کنند و قدرت را به طور مطلق به دست بیاورند. در دوران بازرگان و بعد از او، در دوران بنی صدر متوجه شده بودند که حفظ حکومت استبدادی ولایت فقیه با وجود انسانهای مصمم بر دفاع از استقلال و آزادی در مقامهای دولتی، امکان پذیر نیست. به قول هاشمی رفسنجانی، اسلام بنی صدر با اسلام فیضیه سر سازگاری نداشت. و اگر به او اجازه ادامه کار را می دادیم، در برابر خدا و پیامبر مسئول بودیم. (سخنرانی هاشمی در جلسه وعاظ تهران، سال ۶۰)

با این توضیح، خوانندگان در می یابند چرا شناسایی مافیایهایی که بر محور ولایت مطلقه خامنه ای بوجود آمده اند، نیاز به شناسایی باندهای مافیایی دارند که دوره خمینی بوجود آمدند:

* مرکز قدرت مطلقه شدن خمینی، هرم قدرتی را بوجود آورد که او در راس آن بود:

● لایه اول و زیر مجموعه مورد اعتماد خمینی تشکیل می شد از سید احمد خمینی و هاشمی رفسنجانی و محمد حسین بهشتی و سید علی خامنه ای و موسوی اردبیلی و...

● لایه دوم را کارکنان «بیت امام» و کسانی تشکیل می دادند که نقش «ثقه های امام» را بازی می کردند. کارکنان « بیت امام» زیر نظر احمد خمینی، ارتباط با سازمانهای مختلف را که تحت نظر مستقیم خمینی بودند، را برقرار می کردند. ثقه ها که - مهدی کروی یکی از آنها بود - مأموریتهای را انجام می دادند که خمینی انجامشان را از آنها می خواست. برای مثال، صادق طباطبائی از سوی او مأمور شد با حکومت کارتر تماس برقرار کند برای پایان دادن به ماجرای گروگانگیری که او از طریق گنشر، وزیر خارجه اسبق آلمان این تماس را برقرار کرد و کروی مأمور تماس با گروه ریگان - بوش شد و ماجرای اکتبر سورپرایز را بوجود آورد .

● قشر سوم را افرادی تشکیل می دادند که گروه اطلاعاتی خمینی بودند و اطلاعات سپاه و کمیته ها (مهدوی کنی سرپرست آنها بود) را در دست داشتند. این گروه مأموران اجرائی نیز داشتند. چنانکه شبیر خاقانی روحانی عرب خرمشهر را، دستگیر و به قم آوردند و در قم آوردند. بعد از کودتا و تشکیل واواک ، ریشهری و فلاحیان و واواکی ها - که خمینی آنها را سربازان گمنام امام زمان لقب داد - نیز در این قشر جا گرفتند.

● سازمانهای سیاسی و سیاسی - مالی، نظیر مجاهدین انقلاب اسلامی (سیاسی) و حزب جمهوری اسلامی و مؤتلفه (سیاسی - مالی) و نیز امام جمعه ها «قضات شرع» قشر چهارم را تشکیل می دادند. بعد از کودتای خرداد ۶۰، تاریخ مصرف مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی تمام شد. این دو، به دستور خمینی منحل شدند.

در روزهای پیش از کودتا، غیر از ریاست جمهوری، سه قوه مجریه و قضائیه و مقننه در اختیار هرم قدرت بود. و بهشتی و هاشمی رفسنجانی و خامنه ای قدرت یافتند. انفجار در حزب جمهوری اسلامی، بهشتی را از میان برداشت و ترور خامنه ای را در بیمارستان بستری گرداند و هاشمی رفسنجانی بکه تاز شد.

در این مرحله بود که مافیاهای شکل گرفتند: احمدی خمینی بکنار، گروههای که سازماندهی مافیائی می یافتند، دو پدر خوانده، هاشمی رفسنجانی و خامنه ای داشتند که بایکدیگر همکاری و اداره کشور را در قبضه خود داشتند. البته صاحب قدرت اصلی هاشمی رفسنجانی بود. این دو عامل طولانی شدن جنگ بمدت ۸ سال و فسادگستری و بکار انداختن ماشین اعدام و ایجاد سازمان ترور... بودند. بعد از مرگ خمینی و به رهبری رساندن خامنه ای با جعل نامه ای از قول خمینی، یک دوره، خامنه ای رهبر و هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری شد.

با گذشت زمان، میان این دواختلافاتی به وجود آمدند و هاشمی رفسنجانی به تدریج از کارها کنار گذاشته شد. تا زمانی که در کنار هم قرار داشتند کلیه جنایات و اختلاس ها و ترورها و حیف و میل بیت المال کشور و زد و بندها و... را با هم و با همفکری هم انجام می دادند .

● مافیاهائی که در دوران خمینی شکل گرفتند، بعد از کودتا برضد بنی صدر، پایه های قدرت خود را تحکیم بخشیدند. تا سال ۷۶ همچنان بر جنایتها و فسادهای خود افزودند. دولت را به سازمان ترور بدل کردند و رانت خواری از طریق سیاستهای پولی و مالی دولت را سازمان دادند. با بر سر کار آمدن خاتمی متوجه شدند اشتباه کرده اند که ترتیب کار را چنان نداده اند که قوه مجریه نیز بطور مداوم در تصرفشان باشد. به قول جنتی «نظام» به خطر افتاد و خواب راحت را از ملاتاریا و مافیاهای ربود .

* چارت گروههای مافیائی دست ساخت ولایت مطلقه فقیه:

در هر دو دوره خمینی و خامنه ای، از کودتای سال ۶۰، بعد، چارت نظام مافیایی ساخته ولایت فقیه، تقریباً یکی است. تنها تفاوت، در گردانندگان مافیاهای است. زیرا افراد در دوره خمینی اغلب همان ها نیستند که در دوره خامنه ای دور به دست آورده اند. برخی از آنها فوت کرده اند و برخی دیگر به دلیل نوع نگرش خود، از استبداد دور و تصفیه شده اند. از میان آنها، کسانی اعدام یا ترور یا زندانی شده اند.

بنا بر بررسی های انجام شده، چارت گروههای مافیایی ولایت مطلقه فقیه از این قرار است :

در راس هرم خامنه ای قرار گرفته است. بنا بر این،

● لایه اول: رهبر نظام، ولی فقیه مطلقه، «آیت الله» خامنه ای.

سید علی خامنه ای رهبر مافیاهای، روحانی جوانی بود که زمانی کتاب توحید نوشته آشوری را از آن خود می دانست. اما وقتی آشوری را به خاطر نگارش آن کتاب محکوم به اعدام و اعدام کردند، دم زد. سید علی خامنه ای روحانی کم سواد است که به همان نسبت که آلت قدرت می شد، تمایل سیاسی او نیز از چپ با راست متمایل می گشت. تاجائی که روش را « النصر بالربع » گرداند و وسیله تصرف دولت توسط مافیاهای نظامی - مالی شد.

او در خواب هم نمی دید روزی به رهبری یک کشور برسد اما زمانی که رهبری و مرجعیت وی را با جعل نامه از قول خمینی و به زور سر نیزه و دروغ و فریب ساختند، متوجه شد که می تواند مانند خمینی با رعب و وحشت بر مردم حکم براند و راند . وی که متوجه شده بود ردای رهبری و مرجعیت بر تن او بسیار گشاد است و روحانیان مافوق او زیر بار ولایت مطلقه او نمی روند، بر آن شد که با تقویت باندهای مافیائی و سپردن دولت به آنها، دم از مطلق العنانی بزند. پندهای روحانیان دلبسته به قدرت و مخالف رژیم را نیز نشنید.

او حتی اجازه اجتهاد و در پی آن مرجعیت را با زور اسلحه از حوزه قم دریافت کرد و خود را مرجع شیعیان خارج از ایران خواند.

در انبان بندگان قدرت، همه گونه حدیث و روایت پیدا می شود. برای او نیز حدیث پیدا شد: یک سید خراسانی در ایران به رهبری می رسد. مراد سید علی خامنه ای است! امروزها نیز روایت پیدا کرده اند که از علائم ظهور ولی عصر یکی اینست که سیاهی بلند قامت که نشان از حضرت امام حسین (ع) دارد (اوباما)، در کشوری بزرگ به ریاست می رسد!

از وقتی «رهبر» شده، متملقهائی مثل مصباح یزدی پای او را بوسیده اند، امر بر او مشتبه شده است و مراجع و مجتهدان و غیر آنها می باید خود را مطیع او بدانند و فتواهایشان با «فتوای رهبر» تطبیق کنند. بر آیه الله بهجت سخت گرفته اند زیرا فتوایش با «فتوای خامنه ای» جور نیستند. رفتار همه وقاحت و خشونت او با آیه الله منتظری که استادش بود و یک کلمه گفت شما سواد مرجعیت را ندارید، بر همگان معلوم است. سردی روابط وی با برخی از آیات عظام که بسیار بالاتر از او که اجتهادش هم قلابی است، بخاطر اینست که او می خواهد مراجع دست ساخت قدرت را به حوزه قم تحمیل کند. با پرداخت هزینه زیاد، از کسی چون شیخ حسین همدانی مرجع می تراشد و اسباب رونق کار کسانی چون مکارم شیرازی و صافی و فاضل لنکرانی و سبحانی و ... را فراهم می کند.

خامنه ای نیروهای مسلح و سازمان اطلاعات خاص خود را دارد و توسط این دو، نیروهای مسلح و دستگاه دولت را مهار می کند. با اینهمه، بخاطر سیاستی که منجر به انزوای او شده است، روز به روز بیشتر آلت مافیاهائی می شود که خود در رأس آنها قرار دارد.

● لایه دوم: خامنه ای یک گروه محدود مشاور و نماینده تام الاختیار در برخی امور دارد که از افراد بسیار مطمئن و به شدت وابسته به قدرت اویند که در هر امری در کنار او قرار دارند و به امور سر و سامان می دهند. مشاوران ارشد عبارتند از :

۱- حجت الاسلام مجتبی خامنه ای فرزند ارشد او که بسیاری امور سپرده به او هستند: ترتیب دادن سفرهای استانی «رهبر» و دستور سرکوب گروهها و انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و امور مالی «بیت رهبری» و تقسیم اموال بیت المال به یاران و نزدیکان و نیروهای سرکوب گر . او خود را برای رهبری بعد از پدر آماده ساخته است و بسیاری از امور را به جای پدر تصدی می کند. او یکی از جانشینان تام الاختیار پدر در امور کشور است .

۲- آیت الله خوشوقت از نزدیکان خامنه ای و بر این نظر است که رهبری به صورت شورایی امکان ادامه ندارد. رهبر باید تنها باشد. هوس رهبر شدن بعد از خامنه ای را دارد و عده ای نیز در حال دوختن قبای رهبری بر قامت او هستند. او کمتر در میان مردم شناخته شده است و از جمله کسانی است که تلاش می کند ابهتی برای خود دست و پاکند .

آیت الله خوشوقت پدر یکی از عروس های خامنه ای و از جمله افرادی است که بسیاری از قتل ها به فتوای او انجام می شوند . وی که امام جماعت یکی از مساجد شمال تهران است، در امری که مربوط به انصار حزب الله و برخی از فتوای می شود یار و مددکار "رهبری" می باشد. این فرد مورد اعتماد خامنه ای و گروههای سرکوب گر می باشد . در میان مریدان وی نظایر سعید امامی کم نیستند . او در مدرسه علمیه ای که در تهران دارد کلاسهای توجیهی قتل و جنایت را برای گروههای اطلاعاتی و نظامی و انصاری تدریس می کند . به گفته سعید امامی وی در جریان فتوای قتل چند ده نفر از نویسندگان و سیاسیون از مفتیان بوده است .

۳ - حجت الاسلام صادق میر حجازی - از بیست سال گذشته در کنار "رهبری" قرار دارد و در بسیاری از امور مشاور ارشد "رهبر" بوده است وی مسئول مدیریت و برنامه ریزی کلبه ترورهای داخلی و خارجی اعم از سیاسی - مذهبی - فرهنگی و... است . هماهنگی وی با کلبه گروههای سرکوب گر از جمله سپاه پاسداران - اطلاعات - قوه قضاییه - رسانه ها - حزب الله - بسیج و... از طریق او انجام می شود . این فرد مطمئن با استفاده از اطلاعات و اخباری که از سازمانهای مختلف اطلاعاتی و امنیتی بدست می آورد، گزارشها و پیشنهادها را برای خامنه ای تهیه می کند. سپس با نظر موافق او، پیشنهاد را به اجرا می گذارد. در بسیاری از جنبانها، مشاور «رهبر» و مأمور ابلاغ دستورهای او است. در بسیاری از امور جانشین تام الاختیار «رهبر» است. او نماینده خامنه ای در جلسات بررسی قتل ها و حمله به اجتماعات و اعدام ها و... است.

بر حول مرکزی که او ایجاد کرده است و در واقع دستگاه اطلاعات خامنه ایست، افرادی مانند مرتضی رضایی و وحیدی و رضائی و محسنی اژه ای و فلاحیان و پور محمدی و محمد رضا نقدی و قاسم سلیمانی و علی لاریجانی

و حسین شریعتمداری و عزت الله ضرغامی و سعید امامی و... قرار داشته یا دارند . - آیت الله مصباح یزدی - از افرادی که بسیار مورد اعتماد "رهبری" میباشد و به گونه ای که خامنه ای وی را استاد خود اعلام می نماید در حالی که وقتی وی "رهبری" را می بیند پای او را بوسه می زند. وی از مقتیان یار ویاور "رهبری" است و در برخی از دستورات قتل که نیاز به تاییدات بسیار دارد حکم وی بسیار نافذ است . او یکی از افرادی بود که در جریان قتل سید احمد خمینی قرار داشت و آن را تایید کرد ایشان از جمله افرادی است که دستور قتل عبدالله نوری را نیز صادر کرده بود.

۴ - آیت الله مصباح در کنار خامنه ای موجب بر سر کار آمدن فردی چون احمدی نژاد گشت. با «انتخاب» احمدی نژاد به ریاست جمهوری، معاون خود را معاون اول رئیس جمهوری گرداند. در جمع احمدی نژاد و کابینه وی، یکی از شاگردان برجسته خود یعنی «حجت الاسلام» آقا تهرانی را، به عنوان استاد اخلاق، گمارد. بعدا او را به مجلس فرستادند. مصباح یزدی در بسیاری از امور دانشگاهی و حوزوی و اقتصادی از مشاوران و افراد مورد اعتماد خامنه ای است.

گروهی که در کار بوتن سازی جهت اطلاع «رهبر» هستند از جمله گروههای است که در اختیار این آیت الله می باشد . مؤسسه تحت نظر وی با استفاده از بدل و بخش های خامنه ای از بیت المال، از جمله مؤسساتی است که در بسیاری از امور دیگر آیات عظام دخالت کرده و در واقع گروه سرکوب گر حوزه های علمیه را تشکیل داده که گردانندگیش با او است. دستور سرکوب و حمله به برخی از علمای روحانی از سوی او صادر می شود. از جمله حمله به جوادی آملی و هاشمی رفسنجانی و صانعی و منتظری و... به دستور او انجام گرفته است.

وی در حوزه مرجعیت جاده صاف کن "رهبری" و توجیه گر اعمال او و نظریه ساز «حرکت قسری» و «خشونت ذاتی» انسان و جنگ تعرضی و ترور است.

● لایه سوم: بعد از "رهبری" و افراد محرم او، لایه ای دیگر وجود دارد که به سه بخش تقسیم می شود:

بخش میانی که مرتبط با لایه های بالایی است در مرکز قرار گرفته که به آن «بیت رهبری» می گویند. در کنار "بیت رهبری" دو گروه مشاوره ای قرار دارند از مالاها و مکلاها . گروههای حاشیه از مجموعه افرادی تشکیل می شوند که هر کدام از آنها به نوعی در میان گروههای لایه چهارم پخش شده اند به این صورت که در میان افراد این لایه کسانی قرار دارند که در لایه چهارم مسئول اجرای فرامین "رهبری" و انتشار «افکار» وی هستند.

۱ - "بیت رهبری": پیرامون بیوت آیات عظام، مطالعه هائی انتشار یافته اند. اما بیت خامنه ای دارای ساختار و تشکیلات بسیار متفاوتی با بیوت مراجع است . توضیح این که بیوت مراجع برجسته ساختارشان به صورتی بسیار ساده طراحی شده اند تا مقلدان و مسئله پوسان و مردم عادی به راحتی بتوانند با او دیدار داشته باشند و ضمن دیدار و پرداخت وجوهات پاسخ مسائل خود را دریافت کنند . اما بیت خامنه ای به دلیل نیاز به حفظ قدرت رهبری و استیلا بر مردم ساختار بسیار پیچیده و مرموزی دارد که بیت خمینی هم پیدا نکرد.

ساختار این بیت بسیار فراتر از ساختار بیت خمینی است. رده های خاصی در این بیت، سازماندهی شده اند. در این رده ها، گروهائی قرار گرفته اند هر کدام با مأموریتی خاص. جالب این است که این بیت تنها بیتهی است که بروجوهات مردم متکی نیست. نیازی به آن نیز ندارد. زیرا به اندازه کافی برای حفظ قدرت شاخه های اقتصادی را پیش بینی کرده است . ساختار بیت رهبری به گونه ایست که دولتی متمرکز را تداعی می کند و به شرح زیر است:

الف - بخش اطلاعاتی: این بخش زیر نظر صادق میر حجازی است که نقش او در بالا توضیح داده شد . به این بخش، افرادی مانند علی فلاحیان و آشنا و شیعی و حسینیان و رازینی و مرتضی رضایی و قاسم سلیمانی و وحیدی و .. دیگران در رفت و آمد هستند .

ب - بخش نظامی: این بخش زیر نظر حجت الاسلام سعیدی و طائب و سرداران رحیم صفوی و ذوالقدر و محمد علی جعفری و دیگر سرداران و روحانیون نظامی اداره می شود . هرچند در حال حاضر، رحیم صفوی و ذوالقدر از نظر افتاده اند. طوری که از جمع محارم بیرون رفته اند.

ج - بخش مالی: از قوی ترین و پر کار ترین بخش های بیت است که کلیه هزینه های "بیت رهبری" اعم از پرداخت هزینه های وابستگان و سفرها و هبه ها و پاداش ها و بیوت مراجع وابسته و... را تصدی می کند.

د - بخش بازرسی: حجت الاسلام ناطق نوری رئیس بازرسی بیت رهبری است. او از یاوران مورد اعتماد خامنه ای است که از سوی او در سال ۷۶ به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری انتخاب شده بود که بر اثر تو دهنی محکم مردم به خامنه ای، نتوانست به کاخ ریاست جمهوری راه یابد . وی جز خواص خامنه ای به حساب می آید. دار و دسته او در امور بازرسی بیت رهبری از جمله سرمایه دارانی به حساب می آیند که با پول بیت المال به دارایی های آنچنانی رسیده اند. تنها خانه او بیش از ۲۰ میلیارد تومان ارزش دارد. در حالی که در ابتدای انقلاب از جمله افراد عادی این کشور بود. منبر می رفت و با درآمد منبر زندگی می کرد. بسیاری از بستگان وی به دلیل موقعیت او به پست ها و مقامات بالایی در دولت مافیها رسیده اند . از جمله دانش جعفری وزیر امور اقتصاد و دارایی و عباس آخوندی. بدر زن او نیز از افراد بیت خمینی و خامنه ای بوده است . عموی همسر او هم از علمای برجسته بیت می باشد . حجت الاسام زائری و تقوی و ... از اشخاص مرتبط با این بخش می باشند .

ه - بخش فرهنگی: این بخش به سرپرستی آیه الله معزی اداره می شود. در این بخش رد پای حسین صفار هرنندی و حسین شریعتمداری و سلیمی نمین و ... دیده می شود . دهها مرکز فرهنگی کشور از طریق این بخش اداره می شوند .

و - بخش حفاظتی: حجت الاسلام محمدی کلپایگانی مسئول حفاظت "بیت رهبری" از جمله افراد مورد اعتماد "رهبری" است که با هماهنگی سردار نجات مسئولیت حراست از "بیت رهبری" و خامنه ای را عهده دار است . وی در ابتدای انقلاب صدور بسیاری از احکام اعدام را تصدی کرده است. همسر صیغه ای او که زنی انگلیسی بود از جمله جاسوسانی بود که در مورد انرژی هسته ای اخبار و اطلاعات را به خارج از کشور ارسال می داشت که توسط خود وی از کشور فراری داده شد . همسر پسر وی نیز از دختران ایرلندی است . او از دارایی های مالی بسیار بالایی برخوردار است .

ز - بخش روابط عمومی: این بخش زیر نظر آقای محمدی همدانی از مسئولین وزارت ارشاد اسبق اداره می شود و کلیه ارتباطات با مراکز دیگر از این بخش هدایت می شود .

ح - بخش روابط بین الملل: بخش بسیار مهم در بیت است زیرا بیت خود به شکل یک دولت با اختیار فراگیر اداره می شود . مسئولیت این بخش بر عهده علی اکبر ولایتی می باشد که سالها وزیر خارجه بوده و از جمله در امور مربوط به ترور صاحب نظر و کار آشنا است. اکثر روابط محرمانه و در پوشش ارتباطات با کشورهایمانند آمریکا - انگلستان - مصر و ... توسط این بخش مدیریت می شود. در این بخش افرادی هم چون پور محمدی و جلیلی و وحیدی و ... همکاری داشته اند .

و دیگر بخش ها از جمله، بخش روحانیون و بخش مذاهب و بخش اجتماعی و بخش فتاوی و بخش نمایندگی های خارج از کشور و بخش نمایندگی های داخل کشور و بخش زنان و بخش استانها و... نیز در « بیت رهبری » وجود دارند .
۲- در کنار بیت رهبری دو گروه مشاوران ملا و مکتلا قرار گرفته اند که عبارتند از :

● گروه مشاوران روحانی که خود به دو دسته تقسیم می شوند:

الف - گروه آیات عظام: خامنه ای به دلیل نیاز به مشروعیت از سوی جامعه مدرسین و مردم نیازمند حمایت آیات عظام در مورد خود و حاکمیت خود است . به همین دلیل وی با ساخت و قدرت مند کردن برخی از آیات عظام در واقع به حمایت آنان برای ادامه حیات نیاز دارد و آنها نیز به حمایت "رهبری" محتاجند . خدا و دین عامل رابطه ها نیستند بلکه قدرت و حاکمیت است که رابطه ها را برقرار می کند و یا میگذرد. گروه مشاوران روحانی رابطه برقرار می کند با

۱ - آیت الله مکارم شیرازی - از مراجع وابسته به بیت که به دلیل نیاز به قدرت دین و دنیای خود را به حراج حمایت از ولایت گذاشته است در حالی که در ابتدای انقلاب از مخالفان ولایت فقیه بوده و حال به دلیل دریافت امکانات مالی حامی ولایت فقیه شده است . نقش «بیت مکارم» در بازبهای اقتصادی و دریافت مجوزهای بیشمار واردات کالا از جمله امتیازهای نزدیکی او با خامنه ای است . با اینهمه، او نیز احساس خطر کرده و از ضرورت استقلال حوزه قم سخن می گوید.

۲ - شیخ حسین نوری همدانی از وابستگان به مصباح یزدی می باشد . از جمله قضات شرع در ابتدای انقلاب بود. از خمینی نمایندگی گرفت که به سفارتهای ایران در کشورهای اروپایی سر بزند . این آیت الله معمولاً کلاس های درس توجیهی برای افراد سپاه پاسداران و واواک تشکیل می دهد. به آنها می آموزد حمایت از ولایت مطلقه فقیه موجب رفتن آنها به بهشت می شود . او طی دو ماه گذشته سه جلسه درس و توجیه تشکیل داده است . از جمله افرادی است که همواره به مطبوعات حمله می کند و روزنامه تکاران را به جاسوس بودن متهم می کند. یکبار تا آنجا جلو رفت که گفت چمدان پول را که روزنامه تکاران دریافت می کند، دیده است. حمله او به دانشجویان همواره از اسباب تندروی نیروهای سرکوب گر بوده است. به همین دلیل است که به وی در قم می گویند: آیت الله نوری چمدانی .

۳ - آیت الله صافی یکی دیگر از آیات عظامی است که به ولایت مطلقه خامنه ای مشروعیت عطا می کند. او نیز از خوان یغما می برد و هزینه های بیت خود را تأمین می کند.

۴ - آیت الله فاضل لنکرانی - این آیت الله که سال گذشته در گذشت از جمله آیات عظام وابسته به بیت رهبری بود. اما وقتی نماز عید فطر را خود ادا کرد و فتوای ناسازگار را با «فتوای» خامنه ای داد، رابطه "بیت رهبری" با وی قدری تیره شد. بعد هم اجل به وی مهلت نداد تا به حمایت از خامنه ای ادامه دهد .

۵ - آیت الله سبحانی از جمله مدعیان مرجعیت است که همواره به سود رهبری وارد بازی ها می شود. آخرین مورد تشویق کردن مردمی که انتخابات قلابی را تحریم کرده بودند، همراه با آیات مذکور در فوق، به شرکت در انتخابات بود.

سالم است که دیگر فتوای ترغیب مردم به شرکت در انتخابات و راه پیمایی های نمایشی نظام ولایت از سوی مراجع اعلم از جمله بهجت - سیستانی - صانعی - منتظری و ... صادر نمی شود. دلیل این امر اینست که خامنه ای رهبر و ولی فقیه در میان حوزه و نزد مراجع مستقل بیش از پیش بی اعتبار شده است و او را خطر برای اسلام و روحانیت می دانند . به همین دلیل است که گارد ویژه حمایت از رهبری در حوزه ها و مدارس علمیه تشکیل شده است تا مبادا ولایت فقیه و خامنه ای بیش از آنچه شده است، بی اعتبار شود.

این در حالی است که در نظر مردم معتقد به عمل به فتاوی مراجع، آیات عظام واقعی آنها هستند که از رژیم مستقلند. اما به دلیل اینکه رابطه خوبی با خامنه ای ندارند و از شیوه حکومت داری وی و تفکر استبدادی و قدرت مداریش و دستگاہی که ایجاد کرده است، بیزار و ناراضی اند چندان امکان اداره امور مرجعیت خود را ندارند

ب - گروه روحانیون و مشاوران ارشد و غیر ارشد نظام : این گروه ارتباط «بیت» را با روحانیانی برقرار می کند که در حد مرجعیت دینی نیستند اما خامنه ای را در رسیدن به رهبری و مرجعیت کمک نموده اند و او نیازمند کمک آنان می باشد . این افراد خود به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- گروه ریش سفیدان مانند جنتی - محمد یزدی - خزعلی - نبیری - محمدی گیلانی - ری شهری - واعظ طیبی - مهدوی کنی - مسیح مهاجری - امینی - طاهری خرم آبادی - محسن موسوی تبریزی - شاهرودی - محمد یزدی - امامی کاشانی - دعاگو و....

۲ - گروه میان سالان کسانی چون دری نجف آبادی - پور محمدی - محسنی اژه ای - ناطق نوری - سلیمی - رهبر پور - مشری - حسینیان - رازینی - نواب - نکونام - احمد خاتمی - ریسی - اراکی - ابراهیم رازینی - فلاحیان - و... اغلب این کسان خود در «بیت رهبر» صاحب مقام هستند.

۳ - گروه جوانان، کسانی چون مجتبی آقا تهرانی - زارعان - سعیدی - طائب - اصفهانی - صادق لاریجانی - معزی - کاوه - پناهیان و..

از میان سه گروه فوق و برخی از یاران دیگر خامنه ایست که افرادی جمع می شوند که در واقع گروه بررسی موارد ترور کردنی و صدور فتوای قتل ها و ترور و سرکوب را می دهند. از میان افرادی که تا به حال نام آنها برده شده اند، می توان به افراد زیر اشاره کرد :

خوشوقت - مصباح یزدی - جنتی - خزعلی - نوری همدانی - میر حجازی - پور محمدی - محمد یزدی - فلاحیان - ری شهری - محسنی اژه ای - حسینیان و...

● گروه دوم از مکلاها تشکیل می شود :

این گروه نیز مشاوران "رهبری" در امور سیاسی هستند که در زیر مجموعه ها نیز مقام دارد هستند. البته روحانیون نیز در میان آنان هستند. اما به این دلیل نام آنها را در این بخش می آوریم که مشخص شود که در چه درجه نزدیکی با خامنه ای قرار دارند:

حدادعادل - عسگر اولادی - حسین شریعتمداری - اسدالله بادامچیان - باهنر - احمدی نژاد - حسین الله کرم - مجتبی هاشمی ثمره - آقا زاده - سعیدی - وحید دستجردی - سلیمی نمین - رضا داوری - هاشم رهبر - علی لاریجانی - سعید جلیلی - جواد لاریجانی - داوودی و...

گروههای فوق در واقع نمایندگان باندهایی هستند که کل حاکمیت را در اختیار دارند . نکته قابل توجه اینکه افراد این گروهها بنا بر مصلحت نظام، جایجا می شوند. یعنی در گروههای دیگر نیز کاری به آنها سپرده می شود. به عنوان مثال اول: جنتی در گروه مشاوران فتوای قتل ها و سرکوب عضویت دارد . دبیرشورای نگهبان است . رییس ستاد امر به معروف و نهی از منکر است . رهبر فکری و مالی انصار حزب الله است . نماینده رهبری در جنگ بوسنی هرزه گوین بود که سردار نقدی و حسین الله کرم زیر مجموعه وی بودند . رییس شورای تبلیغات اسلامی است . امام جمعه موقت تهران است و در بسیاری از بنیادها و موسسات مالی عضو مشاور ارشد است. از جمله سرمایه داران ایران است . در گروه قضاییه از جمله قضات و حاکمان شرع بوده است .

مثال دوم: حجت الاسلام پور محمدی است. او در قوه قضاییه مسئولیت دارد. نماینده دادگاههای انقلاب در زندان اوین و عضو هیات منصفه در دادگاه ویژه روحانیت بوده است. در قوه مجریه مسئولیت دارد. وزیر کشور حکومت احمدی نژاد بود. در واواک، معاون عملیات بود. و اینک، عضو اطلاعات "رهبری" است. در امور فرهنگی و رسانه ای مسئولیت دارد. عضو هیات امنای مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. در گروههای رهبری کننده ترور و سرکوب های خیابانی عضویت دارد. از مشاوران برجسته در قتل های زنجیره ای و کلیه ترورهای خارج و داخل کشور بوده است. در گروه اقتصادی شرکت دارد. از اعضای برجسته در بنیاد امیر المومنین می باشد.

مثال سوم سردار محمد رضا نقدی عضو سپاه بدر بوده است. از فرماندهان سپاه قدس بوده است. در بوسنی هرزه گوین فرمانده نظامی بوده است. فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی بوده است. در ترور و مضراب کردن عبدالله نوری و مهاجرانی عملیات را رهبری کرده است. از سوی قوه قضاییه یعنی رازینی مسئول دستگیری و بازجویی از شهرداران و مدیران شهرداری تهران بوده است. در قوه مجریه معاون احمدی نژاد در ستاد مبارزه با قاچاق ارز و کالا بوده است. فرمانده باند کبیر بوده است. علاوه بر اینها، در دهها مورد قتل و شکنجه و سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف و ... شرکت داشته است. گروههای تشکیل دهنده و یا باندهای مافیایی تحت نظر رهبری که در واقع، گروههای حاکم بر کشور را تشکیل می دهند، به هشت گروه اصلی و چندین گروه فرعی تقسیم می شود: در ابتدا گروههای موجود را معرفی می نمایم و بعد به واحد های زیر مجموعه می پردازیم و در پایان به معرفی برخی از افراد این گروهها می پردازیم.

- ۱- گروه قضات
- ۲- گروه نظامیان
- ۳- گروه اطلاعاتی ها و امنیتی ها
- ۴- گروه سیاسیون و دولت
- ۵- گروه رسانه ای و تبلیغاتی و فرهنگی
- ۶- گروه اقتصادی
- ۷- گروه های ترور
- ۸- گروه سرکوب های خیابانی

۱- گروه قضات
این گروه از افراد ویژه حفظ حاکمیت ظلم و استبداد هستند و در میان آنان فردی دیده نمی شود که کوچکترین اعتقادی به خدای واحد و پیامبر رحمت وی داشته باشد. در میان این قضات دیده می شود افرادی که در درنده خوئی، خدا در میان حیوانات نیز موجوداتی چون آنان را خلق نکرده است. در زیر مجموعه این گروه بخش ها و واحد های زیر جهت سرکوب هر جنبشی در کشور ایجاد شده اند:

- شورای عالی قضایی
- دادگاههای انقلاب اسلامی.
- دادگاههای ویژه روحانیت.
- دادگاههای متکراتی یا دادگاههای امر به معروف و نهی از منکر.
- دادگاههای نظامی و انتظامی.
- دادگاههای مطبوعات.
- دادگاههای کارکنان دولت.
- دادگاه ویژه اقتصادی.
- دادگاههای عمومی.
- دادستانی ها.
- سازمان تعزیرات حکومتی
- سازمان زندانها.
- بازرسی کل کشور و گروههای مرتبط.
- دیوان عدالت اداری.
- دیوان محاسبات
- ...

۲- گروه نظامیان:
این گروهی از افرادی تشکیل شده است که در میان آنان درنده خوهای کم ماندنی وجود دارند. اینها به دلیل شرکت در کلاسهای توجیهی قتل و سرکوب و جنایت به افرادی تبدیل شده اند که با مردم کشور خود به مانند جنایتکاران و قاتلان و بیگانگان برخورد می کنند. این گروه زیر مجموعه های زیر را دارد:

- سپاه پاسداران.
- نیروی زمینی
- نیروی هوایی
- نیروی دریایی
- سپاه قدس
- بسیج سپاه پاسداران
- گردانهای الزهرا
- گردانهای عاشورا
- گردانهای ثار الله
- گردانهای گشتی مشترک با نیروی انتظامی
- نیروی انتظامی
- نیروهای امنیتی و پلیس امنیت
- نیروهای گشت ارشادی
- نیروهای آگاهی
- نیروهای مبارزه با مواد مخدر
- نیروهای راهنمایی و رانندگی
- نیروهای نوپو- نیروهای لباس شخصی

- کلیه مقامات و افراد این باند به طور مرتب در میان نیروها جابجا می شوند تا وضعیت آنان مشخص نشود .
- سردار احمدی مقدم که زمانی در سپاه در غرب کشور و در فرارگاه حمزه در ارومیه بوده است . بعد به فرماندهی بسیج در تهران رسیده است و بعد از انتخاب احمدی نژاد فرماندهی نیروی انتظامی ایران را یافته است.
- سردار محمود احمدی نژاد: به صعود احمدی نژاد در رژیم توجه کنیم: عضو سپاه پاسداران در قرار گاه رمضان و بعد قرار گاه حمزه . عضو سپاه قدس . عضو گروه ترور در داخل و خارج از کشور . عضو گروه انصار حزب الله در سرکوب خیابانی مردم به جرم بدحجابی . از مسئولین حرکت ضد انقلابی به اصطلاح انقلاب فرهنگی . عضو شورای نگهبان و مسئول نظارت بر انتخابات . استاندار اردبیل . شهردار تهران . رییس جمهور ایران .

۳- گروه اطلاعات و امنیت :

یکی از محل هایی که تشکیل و حفظ آن به هیچ وجه در جهت مصالح کشور و مردم نبوده است و تنها جهت حفظ نظام و قدرت رهبری ایجاد شده است گروه های اطلاعاتی و امنیتی و حراستی هستند که به توضیح آن می پردازیم :

- وزارت اطلاعات
- اطلاعات " بیت رهبری "
- اطلاعات سپاه پاسداران
- اطلاعات قوه قضاییه .
- اطلاعات دفتر رییس جمهوری
- اطلاعات نیروی انتظامی
- اطلاعات ارتش

و ...

۳ - گروه سیاسیون:

بخش دیگری از باندهای وابسته به رهبری که تحت عنوان کارگزاران سیاست های وی عمل می کنند و در واقع مجری و حامی عملکرد باندهای دیگر هستند .

این باند مانند تیم های پول شویی عمل می کنند و هر از چندگاهی بدنامان و جنایتکاران را به درون خود می آورند و بکار می گیرند . اما افشای ماهیت آنها می تواند این بازی آنها را بر هم بزند . برخی ها فکر می کنند سیاسی شدن محسن رضایی و علی لاریجانی و حتی تاج زاده و حجاریان و بهزاد نبوی و ... می تواند خیانت های آنان را از ذهن ها پاک سازد . حکومت و وزراء و نمایندگان مجلس و استانداران و فرمانداران و بخشداران و مشاوران و احزاب و گروهها و جامعه ها و جمعیت ها و انجمن ها و ... و شوراهای شهر و روستا و شورای عالی تبلیغات اسلامی و شورای نگهبان و شورای انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای خبرگان رهبری

و ...

۴ - گروه رسانه ای - تبلیغاتی و فرهنگی:

مجموعه ای که با صرف هزینه های میلیارد دلاری تلاش می کند رهبری و افراد متشکل درمافیها را در نظر مردم آدمهای موجه جلوه دهد . روزها و شب ها در بوق تبلیغاتی و رسانه ای این گروه های مافیایی فریاد امام وقت ایران خامنه ای را فریاد میزنند و حکم وی را حکم خدا می خوانند . اما گوش کسی بدهکار نیست و این هزینه ها باد هوا می شود و خشم مردم از این همه فریب بیشتر می شود . این گروه اداره می کند صدا و سیما و مطبوعات وابسته و کتابها منتشر شده و بولتن ها و بروشور های تبلیغاتی و توجیهی و وب سایت ها و وب لاگ ها و پوسترها و پلاکاردهای تبلیغاتی و نوارهای صوتی و فیلم های انتشار یافته بر روی لوح فشرده

و ...

۵ - گروه اقتصادی:

درآمد از وجوهات شرعی (خمس و زکات و فطره و ...)

- دارایی و در آمد بنیاد مستضعفان
- دارایی و در آمد کمیته امداد امام خمینی
- دارایی و در آمد بنیاد الزهرا
- دارایی و در آمد ستاد اموال امام
- دارایی و در آمد ستاد اموال " رهبری "
- دارایی و در آمد تولیت امام رضا
- دارایی و در آمد تولیت حضرت معصومه
- دارایی و در آمد تولیت امام خمینی
- دارایی و در آمد دهها امامزاده
- دارایی و در آمد اوقاف
- دارایی و در آمد سازمان حج و زیارت
- دارایی و در آمد سهمیه " رهبری " از فروش نفت
- دارایی و در آمد سهمیه " رهبری " از شرکت های خود رو سازی
- دارایی و در آمد از بنیاد امام علی
- دارایی و در آمد از صدها کارخانه که سهم " رهبری " در در آمد آنها قید شده است
- دارایی و در آمد از صدها سازمان و شرکت و موسسه و نهاد وابسته به " رهبری " .

و ...

۶ - گروه های ترور:

- ترورهای داخلی
- ترورهای خارجی
- دخالت در امور کشورهای اسلامی

۷ - گروه سرکوب های داخلی :

- انصار حزب الله
- ثار الله
- حزب الله
- فدائیان " رهبری "
- احزاب حامی سرکوب

مافیایها - ۲

سازمان ترور مافیای خامنه ای و مراحل عملیات ترور: قتل فروهرها، ۱۸ تیر و...

پیش از آنکه به معرفی مافیاهای دیگر و سازماندهی آنها پردازیم، بهتر دیدیم چارت چند عمل تروریستی سازمان ترور مافیای خامنه ای را بشناسانیم. تحقیق ما را به این نتیجه رساند که هر عملیاتی اعم از ترور در داخل و یا خارج از کشور و حمله به اجتماعات یا دفاتر نشریات و... دارای مراحل خاص است. در این مراحل، نیروهای معینی دست بکار می شوند. در زیر به شرح سه مورد از آنها می پردازیم.

قتل فروهرها:

مراحل مختلف انجام عملیات در ترورهای داخل کشور، در مورد قتل فروهرها، از زبان سعید امامی (اعترافات او) و مطالب نشریات به خصوص کیهان در مورد دیگر مقتولین و پیامها و سخنرانیها و اطلاعیهها و مندرجات نشریات، بدین شرح هستند:

◀ مرحله اول کسب اطلاعات:

در این مرحله کلیه اطلاعات در مورد سوژه و یا سوژه هائی که باید ترور شود یا شوند، به بیت رهبر، مرکز فرماندهی اطلاعات آن، ارسال می شود.

در این مرکز، گروههای خاصی مأمور بررسی اطلاعات هستند. آنها به علامتها و نشانیهای تعیین شده توجه مخصوص می کنند. * روزنامه کیهان به دلیل اینکه یکی از نشریات بخش رسانه ای مافیایها می باشد، معمولاً، با هماهنگی و همکاری با اوواک، در مواردی خاص، با دادن نشانیهای مخصوص، ورود به عملیات ترور را اعلام می کند. در برخی موارد با هماهنگی کامل با اطلاعات بیت رهبری، بعد از عملیات نیز تبلیغات لازم را تصدیق می کند.

دو نمونه از کار روزنامه کیهان:

• نمونه اول - ماجرای دستگیری مسئولین نشریات دانشجویی دانشگاه امیر کبیر: چندی پیش از کار حسین شریعتمداری، دانشجویان، به هنگام حضور احمدی نژاد در این دانشگاه، تظاهرات مهمی را برپا کردند. اما بهانه ای به دست قوای سرکوب ندادند. چون بهانه ای در دست نیروهای سرکوب نبود، حسین شریعتمداری و روزنامه کیهان، با همکاری اوواک، وارد عمل شدند: باندهای اطلاعاتی - نظامی - رسانه ای، بنا بر یک برنامه هماهنگ، ابتدا نشریه ای را طراحی و مطالب آن را مهیا ساختند. بعد، در چاپخانه کیهان به چاپ رساندند و توسط افراد نیروی نظامی آن را پخش کردند. پس از آن، روزنامه کیهان فغان برآورد که به رهبری و پیامبر توهین شده است. و مأموران اوواک دست بکار شدند و دانشجویان را دستگیر کردند و تحویل «دادگاه انقلاب» دادند. از آن زمان تا به حال، دانشجویان در بند «دادگاه انقلاب» هستند.

• نمونه دوم - هر زمان که مافیای خامنه ای به برخورد با برخی از افراد با اجتماعات نیاز پیدا می کند، ابتدا از چند روز قبل، بخش رسانه ای مافیا، به خصوص روزنامه کیهان، با درج خبرها شرح حال دروغی سوژه را مشخص می کند. بدین ترتیب معلوم می کند قربانی چه کس و یا چه سازمانی است. به همین دلیل است که بسیاری از سیاسیون و افراد مبارز همیشه صفحات خاصی از روزنامه کیهان را می خوانند تا از نشانیهای داده شده توسط این نشریه آگاه شوند و یا اگر مورد خود آنها هستند، فکری به حال خود بکنند.

سعید امامی در بخشی از اعترافات خود این گونه می گوید:

«...هر چه را که به صلاح نظام و اسلام دانسته‌ام به عنوان پیشنهاد به مسئولانم ارائه کرده‌ام. من خود را گناهکار نمی‌دانم...»

◀ مرحله دوم، تحلیل اطلاعات:

در این مرحله اطلاعات دریافت شده به دقت بررسی و تجزیه و تحلیل می شود. حاصل کار جهت عملیات بعدی به دو گروه ارسال می شود. یک گروه مرکب از افراد «آماده به خدمت» که تعدادشان به صدها تن می رسد کار خواندن مطالب و نکته یابی و ایراد جوتی را بر عهده دارند. با به دست آوردن نکات و ایرادهای لازم، آنها را تحلیل کرده و دسته بندی نموده و برای گروه دیگر ارسال می کنند.

◀ مرحله سوم، بولتن سازی:

گروه دیگر، گروه بولتن ساز است. این گروه با اطلاعاتی که در یافت می کنند، بولتنهای خاص و تحلیلی را برای شاخه فتوای سازمان ترور، آماده می کنند.

سعید امامی در بخشی از اعترافات خود می گوید:

«...ما فقط به آقایان اخبار و اطلاعات می رساندیم و بعد هم منتظر دستور می ماندیم.»

این «آقایان» که سعید امامی می گوید به آنها اخبار و اطلاعات می دادیم، «روحانیان» عضو شاخه فتوای سازمان ترور هستند.

◀ مرحله چهارم، فتوای مفتیان:

بولتنهای آماده شده برای گروه فتوا ارسال می شود. تا آنان با تأمل در اطلاعات، موارد بیانگر ارتداد و یا ناصبی گری را، صد البته با در نظر گرفتن خدا و پیامبر و امام عصر و «مصلحت نظام» احکام قتل را صادر کنند.

در این مورد، اعترافات سعید امامی گویا هستند:

• «...کسانی که حذف شده‌اند، مرتد، ناصبی و محارب بوده‌اند... فلاحیان با وجود آنکه خود حاکم شرع بود، اما معمولاً و در موارد حساس، احکام حذف محاربان را شخصاً صادر نمی کرد. او این احکام را از آیت الله خوشوقت، آیت الله مصباح، آیت الله خزعلی، آیت الله جنتی و گاهی نیز از حجت الاسلام محسنی اژه‌ای دریافت می کرد و بدست ما می داد...»

(اعترافات سعید امامی).

• روح الله حسینیان یکی از عاملان قتل های داخل کشور و خارج از آن، در سخنرانی معروف خود می گوید: ارتداد این آقایان و ناصبی بودن برخی از آنها مشخص بود (نقل به مضمون)

وی در برنامه چراغ صدا و سیما نیز می گوید: آنها مرتد و ناصبی بودند.

• در اطلاعیه گروه جعلی «فداییان ناب محمدی - نواب» نیز به ارتداد و ناصبی بودن مقتولان اشاره شده و گفته شده است که دادگاه آنان با حضور سه قاضی و حاکم شرع برگزار و حکم محکومیت آنها به قتل صادر شده است.

◀ مرحله پنجم، ابلاغ حکم قتل:

در این مرحله، بعد از صدور حکم قتل، به دلیل نیاز به انجام شتابان آن، به افراد واسط میان آمر و مأمور ابلاغ می شود. به آنها تأکید می شود که کار می باید در نهایت دقت و احتیاط انجام گیرد و نتیجه گزارش شود. در این باره، سعید امامی گفته است:

- «... حکم مجازات آنها مثل همیشه به ما تکلیف شده است و ما آنچه کرده ایم اجرای تکالیف شرعی بوده است نه قتل و جنایت...» (اعترافات سعید امامی).

«... دستور قتل داریوش فروهر و پروانه اسکندری را به روال معمول همیشگی، حجت الاسلام علی فلاحیان به من داد. احکام اعدام سایر محاربین قبلا در زمان وزارت فلاحیان صادر شده بود. ...» (اعترافات سعید امامی).

• برخی دیگر از اعترافات که «حجت الاسلام» پروازی و امیر فرشاد ابراهیمی و کیانوش مظفری نموده اند، در صورت صحت، حاکی از آنند که دستور قتل ها از کانالهای خاصی به آنها می رسیده و آنها را برای انجام عملیات آماده می ساخته اند. (نمونه های حرکت به اصفهان جهت سرکوب مردم و آیت الله طاهری و برنامه ریزی جهت ترور عبدالله نوری در دانشگاه تهران).

◀ مرحله ششم، زمینه سازی:

در این مرحله، گروه رسانه ای وارد عمل می شود و با انتشار اخبار و گزارش و حمله تبلیغاتی، زمینه اجتماعی ترور را فراهم می آورد. مقاله ها نوشته می شوند و در مطبوعات درج و توسط صدا و سیما بازخوانی می شوند تا که زمینه ترور فراهم شود.

- «... از مدتها پیش قرار بر این بود که عوامل مؤثر فرهنگی وابسته که توطئه تهاجم فرهنگی را در ایران پیاده می کردند و جمعا صد نفر بودند اعدام شوند. حکم حذف ۲۹ نفر از نویسندگان از مدتها پیش مشخص و احکام قبلا صادر شده بود که در مورد ۷ تن از آن عناصر احکام در دوره وزارت علی فلاحیان اجرا شده بود. وقتی حکم اعدام فروهر به ما ابلاغ شد پرسیدیم که تکلیف احکام معطل مانده اعضای کانون نویسندگان چه می شود که حاج آقا دری (دری نجف آبادی) نیز گفتند هرچه سریعتر اقدام شود بهتر است و این بار نیز مثل مقابل انجام شد با فرق اینکه بجای ابلاغ از سوی فلاحیان امور از طریق حاج آقا دری نجف آبادی هماهنگ می شد...» (اعترافات سعید امامی).
- و نیز توجه شود به نقش روزنامه کیهان در مورد دستگیری فرج سرکوهی و آماده کردن زمینه قتل او و نیز زمینه سازی دستگیری سعیدی سیرجانی و به قتل رساندنش.

◀ مرحله هفتم، هماهنگی ها :

در این مرحله، جلساتی میان مفتیان با مجریان حکم قتل برگزار می شود تا کاملا توجیه شوند و بدانند که برای خدا این کار را انجام می دهند.

- نمونه اول - جلسه «آیت الله» مصباح یزدی و حسین الله کرم است برای توجیه کشتن عبدالله نوری.
- نمونه دوم - جلسه سید احمد خمینی و «آیت الله» یزدی است برای توجیه ضرورت شرعی ساکت کردن «آیت الله» شریعتمداری (کتاب خاطرات محمد یزدی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی).
- نمونه سوم - توجیه ضرورت شرعی قتل سید احمد خمینی توسط مصباح یزدی در ملاقات با فلاحیان.

◀ مرحله هشتم، آماده سازی گروه عملیات:

در این مرحله، فرماندهان و ناظران عملیات مشخص می شوند و کار آماده سازی آنها، با دقت طراحی می شود. و برطبق آن، تمرین ها انجام می شوند.

کلیه افراد مرتبط با عملیات باید با دقت کار خود را تمرین و آمادگی کامل و همکاری و هماهنگی لازم را پیدا کنند. از جمله

- وزارت مخابرات مأمور شوند گذاری می شود
- افراد گزیده سپاه پاسداران عملیات حمایت از گروه ترور را تمرین می کنند.
- افراد نیروی انتظامی مراقبت از محل انجام ترور را برعهده می گیرند.
- مأموران وزارت کشور خود را آماده کارهای لازمی می کنند که بعد از انجام ترور باید بعمل آورند.

...

سعید امامی در باره ترور فروهر ها می گوید:

«...از روز قبل من تیم را آماده باش داده بودم و شب قبل هم شبیه سازی عملیات را انجام دادیم، کار در سه گروه انجام شد، (اعترافات سعید امامی) ...قبلا، ما کروکی خانه را داشتیم و مشکلی نبود و تلفن خود منزل را هم چک کرده بودیم و می دانستیم که فقط آن دو نفر در خانه هستند (روشن است که مخابرات کار شنود را انجام می داده است) (اعترافات سعید امامی).

در جریان سقوط اتوبوس نویسندگان زمانی که اتوبوس به دره سقوط نمی کند و نویسندگان جمع می شوند به ناگاه سرو کله افراد واواک و انتظامی پیدا می شود. چرا؟ زیرا از پیش، در جریان طرح ترور نویسندگان بوده اند.

در جریان مفقود شدن فرج سرکوهی نیز، همه مأموران واواک، وزارت امور خارجه، اداره گذرنامه، نیروهای انتظامی و ... هماهنگ بودند زیرا در جریان امور قرار داشتند.

◀ مرحله نهم، انجام عملیات:

در این مرحله، گروه ترور وارد عمل می شود. کلیه «سربازان گمنام امام زمان» و دیگر گروههای همکار تیم ترور کارهای خود را هماهنگ آغاز می کنند و حکم قتل سوژه مورد نظر را اجرا می کنند.

- سعید امامی در باره چگونگی ترور فروهر ها می گوید:

«...از روز قبل من تیم را آماده باش داده بودم و شب قبل هم شبیه سازی عملیات را انجام دادیم، کار در سه گروه انجام شد. گروه اول را خودم سرپرستی کردم و در خیابان ظهیر الاسلام مستقر شدیم و زاپاس بودیم تا مسئله ای خلاف برنامه ریزی اتفاق نیفتد.

گروه دوم به سرپرستی مصطفی - مصطفی کاظمی، معاون امنیت- بود که با نیروهایش در اطراف خانه متمرکز شده بود و رفت و آمدها را زیر نظر داشته.

گروه سوم را سید صادق - مهرداد عالیخانی، معاون عملیات، سرپرستی می کردند که به داخل منزل رفته بودند.

قبلا ما کروکی خانه را داشتیم و مشکلی نبود و تلفنی خود منزل را هم چک کرده بودیم و می دانستیم که فقط آن دو نفر در خانه هستند، کار حدود یک ساعتی طول کشیده بود، قرار بر نیم ساعت بود که من نگران شدم. با سید صادق تماس گرفتم و علت را جویا شدم که اظهار داشت برای انتقال پروانه فروهر به بالا مقاومت می کرد، اما کار تمام شده و الان داریم خانه را جستجو می کنیم، بعد از گذشت یک ساعت، سید صادق تماس گرفت و گفت الان در راهیم و کار تمام شد. من باید به ستاد برمی گشتم چون معلوم بود تا ساعاتی دیگر حتما خبر از طریق ناجا به استعلام ما می رسید (اعترافات سعید امامی).

◀ مرحله دهم، سپاه بازی ها:

در این مرحله، «پدر خوانده» یعنی ولی فقیه مرسوم الید و مأموران او وارد صحنه می شوند. با سخنرانی ها و پیام ها که ننه من غریب بازی بیش نیستند، به تصور خود، مردم را دچار سردرگمی می کنند تا فرصت برای لوٹ کردن جنایت فراهم شود.

در جریان قتل فروهر ها، خامنه ای گفت: من اینها را از سالها قبل می شناختم. آدمهای خوبی بودند (نقل به مضمون). روزنامه ها و باندهای رسانه ای جهت گم کردن رد جنایتکاران به فرمان رهبر، آنها را وابسته به اسرائیل و امریکا خواندند و صحنه دشمن شناسی آراستند و خود بازیگران آن شدند. در نماز جمعه گفتند: (نماز جمعه ۱۸ دیماه ۱۳۷۷) «... دشمن سعی دارد در لوای فتنه تبلیغات جنگ اطلاعاتی و امنیتی، موج ترور راه بیاندازد. این قتلها به ضرر ملت، دولت و حکومت ایران بود و ممکن نیست که بدون سناریوی خارجی انجام شده باشد.» این جنایتها را جنایاتی زشت، نفرت آور و حقیقتاً درخور محکومیت توصیف کردند و از تلاش های وزیر، معاونان، مدیران و اواوک و هیات سه نفره رییس جمهوری برای کشف هویت جنایتکاران تشکر کردند. در آن زمان، محسن رضایی حتی صحبت از جاسوسان پاکستانی می کرد. نیروی انتظامی مدعی می شد متهمان به قتل از دوستان خود فروهر ها بوده اند و با جعبه شیرینی به خانه او رفته بوده اند و... آنها حتی سیاه بازی را پیشتر کردند: عده ای را دستگیر و شکنجه کردند و از آنها «اعترافات» گرفتند. فیلم شکنجه های آنان در بازار پخش شد. ولی همه اش بازی بود برای گم کردن رد پای رهبر و مفتیان بطوری که مردم نتوانند بفهمند مافیای خامنه ای سازمان تروری دارد که کارش شکار انسانهای آزاده و مدافعان حقوق مردم است. اما بازی بازیگران اثر وارونه بخشد. برای همه مشخص شد کار خود رهبر و مافیای او بوده است. او حتی به زن سر باز فداکار خود، سعید امامی، هم رحم نکرد و ماموران او آن سعیدت وصف ناپذیر را با او روا دیدند. به گونه ای که مروی داماد «آیت الله» خزعلی که معاون قوه قضاییه در آن روزها بود، از شکنجه وحشتناک زن سعید امامی صحبت می کرد بهنگامی که او در بیمارستان بستری شده بود و... در اینجا لازم است نامه گلپور را در مورد برخی از افراد که در آن شکنجه ها دخالت داشته اند، را باز آوریم. او این نامه را به حسین شریعتمداری نوشته است. نامه معلوم می کند آنها را بر سر زن سعید امامی و دیگر متهمان آورده بودند، نیز از ماموران خامنه ای و مافیای او بوده اند:

◀ متن جوابیه ی رضا گلپور به خبر مندرج در ستون "ویژه" ی صفحه ی دوّم روزنامه ی کیهان:

«بسمه تعالی مکره

(دوشنبه ۱۳۸۳/۱۱/۱۹):

جناب "حسین شریعتمداری" مدیر

مسؤول روزنامه کیهان.

تنها از آن بابت که معمولاً "سمت نمایندگی ولی فقیه در مؤسسه ی پر امکانها و ویژه ی کیهان موجب بروز شبهه ی رعایت اصول تقوا و اخلاق دینی در گفتارها و نوشتارها و پیروان اینجانب رضا گلپور چهره کوهی برای برخی از دوستان عزیز گردیده است به عنوان تکلیف شرعی، قانونی و انقلابی در دفاع از شرافت و حیثیت خود، کلبه ی مطالب مندرج توسط روزنامه ی تحت مسؤلیت شما تحت عنوان "به نام خودی به کام دشمن" منتشره در صفحه ی دوّم روز دوشنبه ۱۳۸۳/۱۱/۱۹ را تذکره نمودم، سطر سطر آن را علائم بروز ردایل اخلاقی موجود در روح و روان بیمار شده ات تحت تأثیر کار در فضاهای جاسوسی و ضد جاسوسی دیدم. بیماری توهم توطئه دانستن همه حوادث و رویدادها ناشی از عدم رعایت اسلوب و دیدگاه فقهی مبتنی بر فرهنگ فقه شیعی می باشد و چون در تمامی فعالیتهای سرویس های امنیتی جهان به دلایل کاملاً روشن عده ای چنان بیمار می شوند که برای فرار از واقعیتهای موجود در سوابق نه چندان درخشان خود یا همکاران بسیار نزدیکشان به مضحکترین روشها آنچه در ضمیر ناخودآگاه خود احساس می کنند به دیگران نسبت می دهند.

شما ارزشهای مقدّسی چون چهره ی امام و ولایت فقیه را سبّی برای فرار خود از برخورد با واقعیات در افکار عمومی قرار داده اید و نمی فهمید در عرصه ی افکار عمومی منصف اگر کسی در استناد و برهان و استدلال کم بیاورد و پشت عیای مقدّس رهبری و ارزشهای اسلامی موضعگیری کند، خود مصداق ضدّیت با آن ارزشها و سوءاستفاده کننده و منفعت طلب خواهد بود.

بخشهایی از استنادات و علائم را قبلاً از زبان تقاله های ضدّ انسانی که اتفاقاً از مرتبّین نزدیک با حضرتعالی در فعالیتهای اطلاعاتی تو نیز بوده اند شنیده و خوانده ام هر چند هر پنج نفر آنان از وزارت اطلاعات اخراج گردیده و به انفصال دائم از خدمات دولتی و نیز حبس و تعزیر محکوم شدند و یکی از آنها هم تعزیر گردید اما حداقل بیندیش که چگونه ۵ نفر از آن کسانی که محور استدلال ریاست بر علیه اینجانب (در کلبه مکتوبات) بوده اند و عاقبتی اینچنین داشته اند می توانند امین و متعهد بوده باشند. برخلاف تو که حتی با وجود پشتیبانی ولایت فقیه جرات طرح اسم را هم در برخی زمینه های کلیدی نداری اینجانب از "علی اکبر باوند" معروف به "مجتبی بابایی" مشهور به "امیری" و "جواد عباسی کنگوری" معروف به "آزاده" مشهور به "آملی" و "احمد شیخها" معروف به "احمد نیکان" مشهور به "فتنازانی" و مصطفی منتظری معروف به "فرقانی" مشهور به "شریانی" و از همه مهمتر و کلیدی تر "مهدی قوامی هنر" معروف به "قوام" به عنوان جنایتکاران شیعی، دون و همکارانت در بازجویی از برخی متهمان مجرم و غیر مجرم نام می برم.

برخی فجایع ایجاد شده توسط این افراد که امروز اینچنین در دفاع از اتهامات بی پایه شان که بنده را جاسوس اسرائیل می خوانند و شما به لطایف الحیل برای فرار از عواقب حقوقی آن بر ترویج و نشر اینگونه ای آن می پردازید در کیس دستگیری "مظفر بقایی" بدون هیچ گونه مستند به اثبات رسیده و منتهم کردن بخشی از کیفی ترین نیروهای سیاسی امنیتی کشور در چتر آن: در کیس موسوم به "میکونوس" در کیس موسوم به جاسوسان عراقی "لشکر بدر" در کیس ارتباطات "راننده جماران" در کیس بازجویی های کرمان! کیس مربوط به آذربایجان و جنوب علوی و امروز بسیار روشنفکر دوّم خردادی مقاله نویس در عرصه اصلاحات! و از همه فاجعه آمیز تر کیس مهم کشف پیچیده ترین شبکه ی جاسوسی قرن!!! یعنی پرونده ی سعید امامی و همراهانش و ... چنان هویداست که فرار کبک گونه ی شما کمکی به فراموشی فجایع نخواهد داد.

خیال می کنی رفاقتت با "کاظم دارابی" بدبخت، در انگلیس و آلمان قابل فراموشی است. رفاقتت با مهرداد عالیخانی بدبخت تر قابل اغماض است. فرض کن من بدبخت ترین را هم در گوشه ای دیگر به کنج زندان بیندازی مگر میتوانی این واقعیتها را پیوشانی؟! از مجاهدین خلق شروع کردی و نماینده ولی فقیه و یکی از اعضای حزب الهی شورای هماهنگی هم شدی! تا کی تا کجا! والله بعلم ما فی صدور کنا و سیعلم الدین ظلّموا ای منقلب ینقلبون.»

چندی بعد، رسانه ها، در پی خاموش شدن فریادها، بار دیگر دست بکار شدند: روزنامه کیهان در بیستم دیماه ۷۷ گزارشی از مصاحبه با روح الله حسینیان در مورد قتلها نوشت و تلاش کرد آن جنایتها را به دیگران نسبت دهد و نظر مردم را مشوش کند. گردانندگان نشر به کمک اوواوک و جانبان آمد. فردای آن روز، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران وارد عمل شد. همین مصاحبه را که قبلاً تمرین کرده بودند به کمک پسر عمومی پور محمدی از مدیران صدا و سیما و مدیر شبکه فعلی ورزش، تحت سرپرستی علی لاریجانی، سرپرست صدا و سیما و یکی دیگر از اعضای شاخه رسانه ای سازمان ترور و مافیای خامنه ای، در برنامه چراغ، به اجرا در آوردند.

ولی در نهایت گند کار در آمد. معلوم شد که بچه های اوواوک وابسته به سازمان ترور بوده اند که دست به این جنایت زده اند. ناچار، رهبر وارد صحنه شد. در آستانه اعلام دست داشتن عوامل اوواوک در جنایتها، در نماز جمعه تهران، خامنه ای گفت: «وزارت اطلاعات یک تجربه سخت را از سر گذراند و نقطه ضعفی را که در پیکره اش وجود داشت، صادقانه به اطلاع مردم رساند و به نظر من شجاعت برداران وزارت اطلاعات در بیان این حقیقت قابل تحسین است. اینجانب، از رییس جمهور و مسولان وزارت اطلاعات خواسته ام و در حضور مردم نیز از آنان می خواهم که سر نخها را پیدا کنند و هوشیاری به خرج دهند. ممکن است

عواملی که جزو وزارت اطلاعات بودند، فریب خورده باشند و یا تحت تاثیر بیگانگان قرار گرفته باشند، باید گشت و عوامل را پیدا کرد و به آسانی نباید از این حادثه گذشت.»

◀ مرحله یازدهم، جلسه اعلام نتیجه و آمادگی:

در این مرحله، با برگزاری جلساتی میان امران و واسطه ها و مأموران و دیگر دست اندرکاران، موید باشید ها به یکدیگر می گویند و برای موفقیت بازهم بیشتر یکدیگر در مأموریت های بعدی، «دعا» می خوانند!
سعید امامی در اعترافات خود، در باره دادن گزارش های بعد از عملیات در جلسات واواک و بیت رهبری می گوید:
«... فردای آن روز به گمانم دوشنبه بود و طبق روال هر دوشنبه در وزارتخانه ما شورای عالی وزارت داشتیم که از طرف ... اتفاقاً با طبق هماهنگی (من اطلاعی ندارم) آمده بودند که در آنجا من و آقا مصطفی و سید صادق رقتیم و مشروح عملیات را شرح دادیم. منتها طبیعی بود که چون چند نیروی غیر وزاری در آن جلسه بودند و ... هم آنجا بود ما مواردی را ذکر نکردیم که عصر همان روز در جلسه ای که با حضور حاج آقا ذری و حاج آقا فلاحیان در دفتر آقای حجازی تشکیل شده بود، تمام موارد و حتی کشفیات از منزل را ذکر کردیم که آقای حجازی عنوان کردند موید باشید و برای مابقی کار آماده شوید.
(اعترافات سعید امامی.)

◀ مرحله دوازدهم، اطلاع ولایت از انجام عملیات:

هر چند رهبر مافیهاها از ابتدا در طرح و اجرای جنایت بود و انجام آن را به افراد مورد اعتماد واگذار کرده بود، اما منتظر شنیدن خبر مانده بود. وقتی از سوی فرمانده عملیات خبر انجام موفقیت آمیز جنایت به گوشش رسید، لبخندی بر چهره سفاکش پدید آمد. این امر را هادی قابل در نامه خود به او، یادآور شده است:
وقتی خبر کشته شدن فردی را که فرار بوده است کشته شود، برای شما می آورند و آن را می شنوید یا لبخند میزنید و یا با سکوت تأیید می کنید. (نقل به مضمون)

سازمان دهی ترور در خارج از کشور:

مراحل بالا نشان دهنده چگونگی عمل ترور در داخل کشور است. در مورد ترور های خارج از کشور، طراحی عملیات و مراحل آنها قدری فرق می کند. زیرا گروههای شرکت کننده در عملیات متفاوت از گروههای ترور در داخل کشور هستند.
در اینجا بر اساسی اطلاعات دقیقی که در باره ترور سران حزب دموکرات در کافه میکونوس برلین، از سوی آقای بنی صدر در دادگاه ارائه شده اند و موجب افشای سازمان ترور و نقش خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و ولایتی و فلاحیان و ... در ترور گشتند، و نیز اطلاعات تکمیلی که در داخل کشور کسب کرده ایم، به چگونگی طراحی و اجرای عملیات ترور می پردازیم:
یادآور می شود که، در آن ترور، تیمهای شرکت کننده در ترور، با حمله به کافه میکونوس در برلین، موجب قتل سران حزب دموکرات از جمله شرفکندی، دبیر کل آن، شدند. تعدادی از تروریستها فرار کردند اما چند نفر از آنها دستگیر و در دادگاه معروف میکونوس محاکمه شدند. سازمان ترور که رژیم ملاناریا در دل دولت ایجاد کرده بود، شناسائی شد. دست داشتن سران رژیم ولایت فقیه در جنایت، در رأی دادگاه قید شد. اعضای تیم ترور و سرپرست عملیات شناسائی شد و ... و تنی چند از شرکت کنندگان در عملیات محکوم شدند.
به همت کار هماهنگ همه کسانی که در داخل و خارج از کشور کوشیدند نگذارند این جنایت لوٹ شود، رژیم محکوم شد. کشورهای اروپائی ناگزیر شدند سفرای خود را از ایران احضار کنند. خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و مافیهاشان ناگزیر شدند دست به عصا راه بروند. تروریستها را از مخفیگاههای خود خارج و به داخل کشور بردند. البته کار سازمان ترور در ترور بسی مشکل شد.

* مراحل ترور در خارج از کشور:

◀ مرحله اول، جمع آوری اطلاعات:

در این مرحله، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری می شود. اما بسیار محرمانه. در جمع آوری اطلاعات افراد سپاه و واواک با استفاده از شرکت های پوششی و گروههایی نظیر گروه علویه در آلمان، شرکت می کنند. از قرار،
• گروه علویه پوشش مأموران واواک برای جمع آوری اطلاعات در کشورهای اطراف است.
• افراد سپاه قدس که هم در آلمان و هم در ایران و لبنان اطلاعات را جمع آوری می کنند و
• نیروهای سپاهی که در غرب کشور در قرارگاههای خاص مستقر هستند و به اطلاعات گروههای کرد دسترسی دارند.
◀ مرحله دوم، تحلیل اطلاعات:

در این مرحله اطلاعات جمع آوری شده توسط گروه های مأمور جمع آوری اطلاعات، توسط متخصصان بررسی می شوند. تحلیل ها آماده و بولتن ها تهیه می شوند و جهت اطلاع و فتوا به مراکز مورد نظر ارسال می گردند.

◀ مرحله سوم، صدور حکم قتل:

شاخه روحانی سازمان ترور، بر مبنای بولتن ها، تشخیص می دهند که سوژه یا سوژه های مورد مطالعه باید کشته شوند و حکم قتل را صادر می کنند. و از آنجا که می باید «مصالح نظام» را نیز لحاظ کنند، رهبر را از احکام صادره آگاه می کنند.

◀ مرحله چهارم، طرح نقشه عملیات:

در این مرحله، حکم صادر شده به گروه واسطه داده می شود تا در جلساتی تیم های مجری حکم را توجیه نمایند.
در این مرحله تیم های شرکت کننده به شرح زیر آماده می شوند:
• گروه واواک: این گروه که در خارج و داخل کشور، در حال خبر گیری از تحركات سوژه یا سوژه ها هستند و مراقبت می کنند که خبر عملیات لوٹ نرود.
• گروه سپاه قدس: افراد ویژه این سپاه وارد عمل می شوند. کار آنها آماده کردن گروههای شرکت کننده در عملیات است.
• گروههای شرکت کننده در کار عملیات ترور تشکیل می شوند از:
۱ - گروه اطلاعاتی مخصوص ترور مانند خوش کوش در ترور بخنبار و کاظم دارابی در ترور شرفکندی و شرکت کنندگان در جلسه در رستوران میکونوس و ...
۲ - گروه سپاهی حمایت کننده مانند گروه تحت سرپرستی احمدی نژاد در ترور قاسملو و غفور در جزی در ترور شرفکندی و صحرارودی در ترور قاسملو و ...

۳ - گروه عملیاتی خارجی که اعضایش معمولاً از حزب الله لبنان هستند. مانند انیس نقاش در ترور بختیار و راحیل و امین در ترور شرفکندی و سران حزب دموکرات و عماد مغنیه در بمب گذاری در آرژانتین و...

۴ - گروه وزارت امور خارجه: مجریان عملیات ترور به دلیل اینکه باید کاملاً تحت پوشش سیاسی یا اقتصادی اعزام شوند، کار اعزام تحت پوشش آنها، بر عهده وزارت امور خارجه است. این افراد یا در پوشش رایزن فرهنگی یا متخصص و کارشناس مخابراتی و یا دانشجو و ... اعزام می شوند.

گفته می شود در جریان ترور بختیار، به دستور شیخ عطار، معاون وقت وزارت مخابرات، برخی از افراد گروه ترور، با جعل عنوان، به نام کارمندان مخابراتی، برای آنها از سفارت فرانسه ویزا دریافت شد.

در این مرحله، کلیه افراد شرکت کننده در عملیات، در جلسات مکرر، توجیه می شوند و هریک نقش خود را تمرین می کنند.

◀ مرحله پنجم، اعزام نیرو:

در این مرحله که یکی از حساس ترین مراحل است سازمان ترور مافیای خامنه ای تلاش می کند کار بدون سر و صدا انجام گیرد و اعضای تیم ها با پوشش های مختلف به کشور مقصد بروند و در آنجا، در محل های از پیش مشخص شده با یکدیگر ملاقات می کنند و ترتیب کار را بدهند.

در این مرحله، تنها مسئولان با یکدیگر قرار می گذارند و طرز اجرای عملیات ترور را مورد ارزیابی قرار می دهند و اعضای پایین تر را در این مشاوره و بررسی دخالت نمی دهند.

سفارت ایران در هر کشوری که قرار است برنامه اجرا شود کاملاً در جریان است و در تعیین محل های استقرار قبل از عملیات و محل پنهان شدن بعد از عملیات و چگونگی خروج از کشور بعد از عملیات و چگونگی برخورد با مطبوعات و خبرنگاران شرکت دارد.

◀ مرحله ششم، انجام عملیات:

در جریان ترور سران حزب دموکرات مشخص شد که گزارش حضور آنان در رستوران میکونوس را اوواک به دست آورده بود و بر مبنای اطلاع خود، زمان گسیل تیم ترور را به محل، تعیین کرده بود. در برلین، تیم ترور مرکب از اعضای ایرانی و غیر ایرانی با سفارت و افرادی که در مرحله بعد از انجام ترور نقش پیدا می کردند، هماهنگ شده بودند.

تیم ترور به کافه حمله می کند و حاضران در جلسه را ترور می کند و از محل می گریزند. محل های پنهان شدن آنها معین بوده است. بعد از ترور به آن محل ها می روند و مخفی و آتھائی که می باید از آلمان خارج شوند، آماده خروج از آلمان می شوند. در روزهای بعد، برخی از آنها از آلمان خارج می شوند و پاداش های خود را دریافت می کنند.

اطلاعاتی که در باره شرکت کنندگان در ترور بدست آمدند، امکان دادند عده ای از شرکت کنندگان در ترور که در آلمان مانده بودند، دستگیر شوند.

◀ مرحله هفتم، ورود رسانه های داخلی به صحنه:

در این مرحله، با وجود اینکه رسانه های شاخه تبلیغاتی سازمان ترور از خوشحالی در پوست نمی گنجند، اما مانند سران سیاسی و نظامی و اطلاعاتی و ... خود را بیگانه نشان می دهند و اینطور تبلیغ می کند که نظام قرار بوده با آنها مذاکره کند!

در جریان ترور قاسملو، کار سیاسیون جالب بود: آنها مدعی شده بودند که ما هم ترور شده ایم زیرا در حال مذاکره بودیم که گروهی به ما حمله کردند و رسانه ها در داخل ادعای بی گناهی می کنند و خود را به نادانی می زنند اما خود می دانند که چه خبر بوده است در جریان همان ترور در میکونوس وقتی رد پای تروربستها یافته شد و شاهدان شهادت دادند، رسانه های نظام و سران مافیاهای خامنه ای و هاشمی رفسنجانی به دست و پا افتادند تا به گونه ای بتوانند مانع از محکوم شدن قاتلان و مسولین گردند ولی موفق نشدند

◀ مرحله هشتم، جلسات چگونگی اجرای کار و موید باشید ها:

بعد از اجرای عملیات نیروهای آمر و واسط و مجری در جلسه ای به دیدار هم می روند و به یکدیگر تبریک می گویند و موید باشید می شوند و موید باشید می گویند.

◀ مرحله نهم، لیخند پیروزی بر لبان رهبر نقش می بندد:

وقتی که کار ترور به دلخواه رهبران مافیاهای انجام گرفت، خبر این پیروزی بزرگ را به رهبر می دهند و او هم خنده رضایت بر لب می آورد و افراد دخیل در جنایت را تشویق می کند و به آنها تربه و مقام می دهد تا زمان سر به نیست کردنشان برسد. در دو نوبت، یکی بعد از قتل بختیار و دیگری جنایت میکونوس، فلاحیان همدستان خود را نزد خامنه ای برد و از سوی او مورد تشویق قرار گرفتند. این دو نوبت این ویژگی را داشتند که خبر بار یافتن فلاحیان و همدستانش، در کیهان، به ترتیبی درج شد که ربط دیدار با جنایتها دانسته شود.

حمله به تجمعات: حمله به کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸:

مراحل عملیات حمله به تجمعات و مراکز داخلی: با بررسی حمله به خوابگاه دانشگاه تهران می توانیم مراحل مختلف و نیروهای مورد نیاز در هر حمله داخلی به نشریات و تجمعات را معین کنیم:

◀ مرحله اول، ورود اطلاعات:

در این مرحله، اطلاعات از محل های مختلف وارد مرکز اطلاعات بیت رهبری می شود و مسئولین در جریان امر قرار می گیرند. در رابطه با خوابگاه دانشگاه تهران، خبر این بوده است که به دنبال تعطیلی روزنامه سلام، به دلیل چاپ دست نوشته سعید امامی قرار است که دانشجویان خوابگاه دست به راهپیمایی بزنند.

بی مناسبت نیست متن دست نویس طرح سعید امامی برای سانسور نویسندگان و نشریه ها را باز آوریم. این متن را روزنامه سلام به چاپ رساند و توقیف شد و از آن پس، دیگر منتشر نشد. متن دست نوشته سعید امامی اینست:

«حوزه مشاوران وزارت اطلاعات مورخ ۷۷/۷/۱۶ موضوع: "فضاسازی فرهنگی" شماره ۲۸۱/خ/۴۱

همانطوری که مستحضرید فعالیت گسترده عناصری نظیر "گلشیری، چهل تن، دولت آبادی، مختاری و ..." برای مطرح نمودن کانون و ایجاد وجهه و پشتیبانی جهانی برای آن مشکلات امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران و به خصوص وزارت به دنبال خواهد داشت. وجود جریانات قانونی موازی و ایجاد کیس‌هایی در راستای به وجود آوردن انشعاب و ایجاد اختلاف در بین ایشان می‌تواند از پیامدهای امنیتی موضوع بکاهد.

اصلاح قانون مطبوعات فعلی جوابگوی نیاز کنونی و دسیسه‌های موجود نیست چرا که تنها در رابطه با صاحبان امتیاز، مدیر مسئول تعیین تکلیف می‌کند. حال آنکه ما در عرصه فرهنگی قشر وسیع نویسنده، مترجم، مؤلف، گزارشگر، شاعر و ... را داریم که تنها با برخوردی انفرادی و قانونمند ممنوع‌القول یا ممنوع‌النشر نمودن می‌توان از هجمه ایشان جلوگیری نمود. برای پاسخگویی به این نیاز پیشنهاد می‌شود معاونت محترم ۹۳۲ پیش‌نویس طرح یا لایحه‌ای نظیر "میثاق ۱۱۴" را با همکاری سازمانهای ذیربط پیگیری نماید تا از این طریق در راستای قانونمند کردن حوزه‌های امنیتی اهرم لازم را داشته باشیم.

در این طرح می‌بایست مباحثی نظیر حرفه‌ای بودن کار و کسب لازم آن برای (به شرط داشتن صلاحیت نظیر پزشکان و یا وکلا) که می‌توان به فرد مذکور کد نظام فرهنگی داد و او را به عنوان مترجم یا مؤلف شناخت. تشکیل دادگاهی صنفی (از نوع انتظامی) که به تخلفات حرفه‌ای این افراد رسیدگی نموده و محکومیت لازم را صادر نماید از این طریق می‌توان شکل‌های خودی را تقویت و عناصر معاند را از صحنه خارج نمود.

این نظام فرهنگی می‌تواند حوزه‌های کتاب، مطبوعات، تئاتر، سینما، موسیقی و ... تحت پوشش خود بگیرد.

با احترام ۱۰۴

مسئولین اطلاعات بیت به سرعت تشکیل جلسه می‌دهند و به کلیه نیروهائی که باید مأموریت انجام دهند، آماده باش می‌دهند. این نیروها عبارتند از:

- ۱- نمایندگان قوه قضائیه که ریاست آن به عهده محمد یزدی از سران کودتای سال ۶۰ و از جلادان به نام بود.
 - ۲- نمایندگان سازمانهای اطلاعات موازی (سپاه و نیروی انتظامی و قوه قضائیه و...)
 - ۳- نمایندگان سپاه پاسداران، آن زمان فرماندهی آن با رحیم صفوی بود.
 - ۴- نمایندگان بسیج به فرماندهی سردار حجازی
 - ۵- نمایندگان نیروی انتظامی به فرماندهی سردار لطفیان و قالیباف و نظری
 - ۶- نمایندگان انصار حزب الله به فرماندهی الله کرم و ده نمکی
- در جلسه، بنا می‌شود به تحت نظر گرفتن فعالیتهای دانشجویان و ایجاد وضعیت مناسب با سرکوب خونین دانشجویان به بهانه تجمع بخاطر توقیف روزنامه سلام.

◀ مرحله دوم، تحت نظر گرفتن ماجرا و حادثه سازی:

در این مرحله، مأموران اطلاعات مافیای خامنه‌ای متوجه می‌شوند که دانشجویان تصمیم به ادامه تظاهرات تا رفع توقیف از روزنامه سلام را دارند. لذا با سازمانهای مأمور حادثه سازی و شاخه فتوا تماس حاصل کرده و جریان را به اطلاع آنها می‌رسانند.

◀ مرحله سوم، صدور حکم از سوی مفتیان:

با توجه به اطلاعات و تحلیل جنبش دانشجویان، مفتیان به این نتیجه می‌رسند که هرگاه جنبش دانشجویان ادامه پیدا کند و ماجرای تروورها بیش از پیش از پرده بیرون افتد و افشگری‌ها ادامه یابند، به احتمال سازمان ترور و گردانندگان لو خواهند رفت و نظام به خطر خواهد افتاد. لذا دستور سرکوب دانشجویان را دادند.

◀ مرحله چهارم، برنامه گذاری سرکوب دانشجویان:

در این مرحله، با توجه به دستور سرکوب صادره از سوی مفتیان و تأیید شخص رهبر، جلسه‌ای در دفتر میر حجازی با شرکت اشخاص زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- محمد یزدی، رییس قوه قضائیه و دادستان وقت
 - ۲- ناطق نوری، نماینده رهبر و مسئول بازرسی بیت او،
 - ۳- حسن روحانی، نماینده رهبر و دبیر شورای عالی امنیت ملی
 - ۴- رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران و سرداران اطلاعاتی سپاه
 - ۵- لطفیان فرمانده نیروی انتظامی و سردار قالیباف و فرهاد نظری
 - ۶- حسین الله کرم فرمانده نیروهای انصار حزب الله
 - ۷- اطلاعات و نیروهای اطلاعاتی موازی
 - ۸- صدا و سیما به رهبری علی لاریجانی و...
 - ۹- گروه رسانه‌ای به رهبری حسین شریعتمداری و ...
- در این جلسه، طرح سرکوب دانشجویان تهیه و بنا بر شدت عمل شد.

◀ مرحله پنجم، ورود در عملیات:

جلسه به این نتیجه رسیده بود که به گونه‌ای باید دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داد که دیگر دانشجویی به فکر اعتراض نیفتد و کسی در پی افشای مطالب ضد امنیت ملی (طرح سانسور مطبوعات و روزنامه تکران و نویسندگان و هنرمندان) نشود و موجب تشویش اذهان عمومی نگردد!

لذا به دستور مسئولان نیروی انتظامی قرار شد زمینه را جهت ورود نیروهای انصار حزب الله به صحنه آماده سازند. انصار حزب الله به دستور مسئولان نیروی انتظامی است که عبارتند از افراد بسیج و سپاه و حراست و واواک و چماقداران و لباس شخصی‌های نیروی انتظامی. این سازمان خود را آماده حمله کرد. بی سیم‌ها به کار افتادند و چماق‌ها و زنجیرها و میله‌های آهنی موجود در مساجد مرکزی، میان نیروها پخش شدند و وانت‌ها آماده بردن آنها به محل کوی دانشگاه شدند.

در دفتر مرکزی کنترل و فرماندهی، همه جنایتکاران جمع شده بودند و بر کار نظارت و فرماندهی می‌کردند. به دستور «آیت الله» یزدی و تأیید مصباح یزدی و جنتی و خزعلی دستور حمله به سردار نظری ابلاغ شد. افراد نیروی انتظامی اجازه ورود را به گروههای انصار و لباس شخصی‌ها دادند و آنها وارد خوابگاه شدند.

با ورود نیروهای لباس شخصی به نام انصار حزب الله و حمایت نیروهای سپاه و اطلاعات و لباس شخصی‌های نیروی انتظامی حمله به اطاق‌های دانشجویان شروع شد.

چماق‌ها و میله‌های فولادی تقسیم شده در مسجد شهدا و دیگر مساجد بالا رفتند و بر سر و شانه و صورت و پای دانشجویان فرود آمد. چاقوهای ضامن دار بر بدن دانشجویان فرو رفتند. زنجیرهای اسارت یاوران مافیا چهره‌های دانشجویان حق طلب را خونین کردند و...

دانشجویان با ذکر یا زهرا از طبقه سوم به پایین پرتاب می‌شدند و برخی با ذکر یا حسین چاقو به بدن دانشجویان می‌زدند. رسانه‌ها و حکومت به اصطلاح اصلاح طلب در آن شب مرموز در سکوت بود و کسی از عمق جنایات آگاه نبود و مافیای خامنه‌ای هر

کاری که خواستند در خوابگاه دانشگاه کردند و آنجا را ترک و خوابگاه را خونین و دانشجویان را مجروح بر جای گذاردند. از خوابگاه بیرون آمدند و نیروی انتظامی بار دیگر خوابگاه را به محاصره خود در آورد.

◀ **مرحله ششم، شستن خونها از دست و روی رهبر و دستیاران او (گریه بازار رهبر و مسئولان):**
زمانی که خبر تگاران وارد کوی دانشگاه شدند، پنداری به شهری جنگ زده وارد شده اند. خون در هر جای خوابگاه دیده می شد و مجروحان بر کف خوابگاه و بر روی چمن ها، افتاده بودند. حمله از نوع ابلغار مغول ها و حمله قوای صدام بود. درب ها شکسته، شیشه ها خورد شده، سطح اتاق های دانشجویان خونین، تخت ها با میله های آهنی خورد شده بودند و ... مردم خروشیدند و دست به اعتراض زدند و نظام به وحشت افتاد. شعارها و فریاد ها بلند شدند. مردم در تظاهرات رهبر نظام را مسئول و عامل حمله دانستند. رسانه های مافیای خامنه ای دست بکار شدند. جمعی از دانشجویان مجروح را نزد رهبر بردند. رهبر مانند هنرپیشه ای هالیوودی به گریه افتاد و عاملان یورش و حشیانه را نفرین کرد و دستور پیگیری را به قوه قضاییه داد. چه خنده دار بود وقتی رهبر گریه می کرد و نزدیکان او هم گریان شده بودند. او دانشجویان را اشک در چشم، بغل می کرد و دستور می داد بگیرد و ببندد! قرار شد مأموران واواک جستجو کنند و مأموران انتظامی دستگیر کنند و «قاضیان» محاکمه کنند و رسانه ها مردم را آگاه سازند. اما کار برعکس شد. اصلاح طلبها که قرار بود به حمایت برخیزند، جا زدند. حکومت اصلاح طلب با فشار مافیای خامنه ای، دست از حمایت دانشجویان و مردم برداشت و با سکوت، دست مافیا و سازمان ترورش را باز گذاشت.

◀ **مرحله هفتم، دور دوم سرکوبها:**
شاخه های رسانه ای مافیا و اطلاعاتی وارد کار شدند. با به وجود آوردن صحنه های مصنوعی از حمله مردم به بانکها و کیوسک های تلفن و فیلم برداری صدا و سیما و پخش صحنه های خود ساخته، به طور مرتب در تلویزیون، معلوم شد که حمله دیگری به مردم و دانشجویان تدارک دیده شده است. کیوسک های تلفن را نشان می داد و تأکید می کرد که عده ای ضد انقلاب دست به این کار زده اند. در حالی که همه می دانستند کار، کار افراد انصار حزب الله بود که با بستن بندی سبز بر انگشت خود، هویت خود را برای افراد نیروی انتظامی و سپاه مشخص کرده بودند. کسانی از این افراد که بهنگام دستگیری ها، دستگیر می شدند، در جا آزاد می شدند و به کار حمله به بانکها باز می پرداختند.

◀ **مرحله هشتم، دستگیری و سرکوب قضائی:**
بار دیگر همان ها جلسه تشکیل دادند. به این ارزیابی رسیدند که بعد از دو روز آزادی مردم، متوجه شده اند که اگر آزادی طولانی شود، نظام ساقط می شود. رحیم صفوی در همان روزها اعلام کرد که خط قرمز ما خیابان انقلاب به سمت پایین است و سرداران سپاه گفتند اگر مردم به سمت پایین خیابان فلسطین که مقر «پدر خوانده» بود بیایند با دوشکا آنها را به رگبار می بندند. ناطق نوری خواستار گذاشتن محرکان، از جمله سران نهضت آزادی، پای دیوار و تیرباران کردن آنها شد. ... دستگیری ها شروع شدند. نوبت به سرکوب قضائی رسیده بود. حسن روحانی که تا آن زمان از ترس به خارج از تهران سفر کرده بود، به میدان آمد و در روز ۲۳ تیر اعلام کرد: اگر ضد انقلاب دست برندارد مردم آنها را تکه تکه خواهند کرد و ...

◀ **مرحله نهم، خوشحالی رهبر:**
مانند موارد قبل، خامنه ای وقتی متوجه سرکوب مردم و دانشجویان شد و قضیه افشاگری ها را پایان یافته دید، بر مسند عظمای ولایت نشست و با خنده از یاران و کارکنان مافیای خود تشکر کرد. به آنها گفت: قضیه را تا آخر پیگیری نمایم. مأموران او اطاعت امر کردند و ضارب را پاداش داده و دانشجویان را به اعدام محکوم کردند که در نهایت، این نوع محکومیت ها به ۱۵ سال زندان کاهش داده شدند. قوه قضاییه بار دیگر به یاری رهبر آمد و دانشجویان را به زندانهای طویل المدت محکوم کرد تا برای مدتی خاطر مبارک رهبر آسوده باشد. در بالا سه نمونه نوعی از عملیات ترور مافیای خامنه ای، سه نمونه از ترورها در داخل و خارج از ایران و حمله به مراکز و تجمعات را تشریح کردیم. مراحل عملیات ترور، خود گویای سازمان ترور و شاخه های آنند. در طول ۲۰ سال گذشته، بطور پیگیر، شناسایی و افشای سازمان ترور رژیم و تحول آن را پی گرفته ایم. تحقیق بسیار مفصلی که این نوبت انتشار می یابد، خواننده را از مافیای سازماندهی آنها و چند و چون تسلطشان بر دولت آگاه می کند.

*** خامنه ای بوش را به ترور تهدید می کند:**

◀ **به گزارش خبرگزاریها (از جمله رویتر ۱۶ ژوئیه)، خامنه ای بوش را به ترور تهدید کرد وقتی گفت: نباید خیال کند اگر دستور حمله به ایران را بدهد، بعد از پایان ریاست جمهوری، خیالش آسوده است. زیرا ملت ایران او را تنبیه خواهد کرد.**

از خرید آدمکش برای ترور کردن تا دولت مافیای مجهز به سازمان ترور:

*** ماجرای سید مهدی هاشمی به سید حسین موسوی تبریزی، «دادستان انقلاب» وقت برای کشتن بنی**

صدر:

سید حسین موسوی تبریزی در خاطرات خود که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده، ضمن بیان برخوردهایش با سید مهدی هاشمی، به مخالفت خمینی و منتظری با ترور و ربودن سید ابوالحسن بنی صدر، پرداخته است:
(لازم به ذکر است که این مطالب برای اولین بار است که منتشر شده است):
«... برخورد دیگر من با سید مهدی هاشمی باز در زمان مسئولیتیم در دادستانی (کل انقلاب) بود ولی این بار مستقیماً با خود وی روبرو شدم. قضیه از این قرار بود که بعد از فرار بنی صدر (در مورخه هفتم مرداد ماه ۱۳۶۰) از ایران، یک روز ایشان به دفتر من آمد و گفت: «اگر شما یک میلیون دلار در اختیار من بگذارید من توسط افرادی که می شناسم می توانم بنی صدر را بدزدم و به ایران بیاورم.» من گفتم: «این مقدار بودجه در اختیار دادستانی کل هست منتها آنچه در این میان مهم است اجازه و اذن امام ویا لاقلاً آیه الله منتظری است.» سید مهدی گفت: «من میتوانم از آقای منتظری اجازه بگیرم» که من گفتم: «من باید خودم اجازه بگیرم و با اجازه گرفتن شما برای من اطمینان قلبی حاصل نمی شود.» من خود با آقای منتظری تماس گرفتم و

ماوقع را گفتیم و سپس پرسیدم: آیا شما چنین اجازه می دهید؟ ایشان گفت: "نه، من اجازه نمی دهم." بعد از یک مدتی دوباره سید مهدی آمد و باز همان درخواست را مطرح کرد و گفت: "ما افرادی از عربها را می شناسیم که حاضرند در برابر گرفتن پول، بنی صدر را در همان فرانسه بکشند." من باز به اینها گفتم: «این کار اولاً مجوز شرعی می خواهد و ثانیاً این نوع کارها اصلاً به صلاح نظام نیست چون واقعیت قضیه خیلی زود کشف می شود و آبروی نظام را در معرض خطر قرار می دهد.» و باز موضوع را با حضرت امام در میان گذاشتم و عرض کردم: "افرادی هستند که حاضرند بروند و بنی صدر را بکشند"، امام فرمود: "چرا؟" گفتم: چون او علیه انقلاب و نظام تبلیغ میکند. امام فرمود: "اولاً کشتن یک مسلمان حرام است، و ثانیاً اگر ما بر حقیق و کارمان نیز درست و خوب است، تبلیغ بنی صدر و امثال بنی صدر قطعاً مؤثر نخواهد افتاد ولی اگر عمل و رفتار ما بد و ناصحیح باشد تبلیغات آنها تأثیر خودش را خواهد گذاشت و ما باید به جای اینکه در فکر حذف فیزیکی مخالفان خود باشیم با تصحیح اعمال و رفتارمان زمینه تبلیغات منفی آنها را از بین ببریم."

کتاب خاطرات مذکور جلد اول صفحه ۲۹۹ و ۳۰۰
منبع: یادداشتهای پراکنده

<http://manazel.blogfa.com/post-42.aspx>

* خاطره سید حسین موسوی کدام واقعیت‌هایی را آشکار می کند؟:

- ترور مخالفان شروع شده بود اما هنوز سازمان نیافته بود و دستگاه دولت بکار گرفته نشده بود. سید مهدی هاشمی به سید حسین موسوی مراجعه کرده و از او پول خواسته بود برای ربودن و یا کشتن بنی صدر.
- ربودن و قتل نیازمند «حکم حاکم شرع» و ولی فقیه بوده است و هست.
- سید مهدی هاشمی، در سپاه، متصدی دایره ارتباط با نهضت های رهائی بخش بوده و با عناصری در لبنان که در این ایام، حزب الله لبنان را پایه گذاری می کرده اند، ارتباط برقرار کرده بود.
- دادستانی انقلاب ترور را تصدی می کرده و برای آن بودجه در اختیار داشته است.
- دو زبان، یکی زبان صوری و دیگری زبان واقعی کاربرد روزمره داشته است. توضیح این که
- ۱- خمینی به سید حسین موسوی گفته است: بنی صدر مسلمان است و کشتن او حرام است. در همان حال،
- ۲- محمدی گیلانی اعلان کرد: بنی صدر باغی با غین و هفت بار محکوم به اعدام است. و نیز،
- ۳- نه تنها خود او مصادره شد، بلکه همسر و فرزندان او نیز مصادره شدند.
- ۴- از موارد اقدام به ترور، یکی دستگیری شخصی بود، در همان ایام که سید حسین موسوی از آن سخن می گوید، در فرودگاه پاریس. او در جامه دان خود مواد منفجره آورده بود و در بازجویی اعتراف کرد برای کشتن بنی صدر مأمور شده است.
- ۵- بنا بر رویه توتالیترها، حکم به قتل اشخاص غیبی و بدون محاکمه و اطلاع محکوم داده و اجرا می شده است. این رویه جنایت کارانه همچنان ادامه دارد. با توجه به این که بیشترین ترور شدگان، دست به اسلحه نبرده بودند و جبهه جنگی بر ضد رژیم نگشوده بودند، ترور آنها از بدخیم ترین جنایتها بوده است و هست.
- ۶- افزون بر دادگاه انقلاب، بخشی از سپاه پاسداران نیز عملیات ترور را آغاز کرده بود. از جمله، در ۱۴ اسفند ۵۹، دو تن مأمور قتل بنی صدر شده بودند. وجدانشان به آنها اجازه نداد او را ترور کنند. به دفتر ریاست جمهوری مراجعه کردند. اسلحه خود را تحویل دادند و ماجرا را باز گفتند. مورد دیگر، گفتگوهای بودند که شهود ارتش ضبط کرده بود. این گفتگوها در روزهای پیش از کودتا، در کرمانشاه انجام گرفته بودند. گفتگو کنندگان از گرفتن فتوای قتل بنی صدر و آماده کردن گروه اجرا صحبت می کرده اند.
- ۷- هرگاه سید حسین موسوی راست گفته باشد، دو گانگی قول و فعل خمینی در حد تضاد است. چرا که بنا بر یادداشتهای سال ۶۰ هاشمی رفسنجانی (عبور از بحران)، خواننده شده بیانیه رئیس جمهوری در مجلس که در آن، پی آمدهای کودتا از لحاظ ادامه جنگ و سرکوب های خونین و استبداد ... یک به یک خاطر نشان شده بودند، خمینی را سخت عصبانی کرده بود و احمد خمینی به هاشمی رفسنجانی گفته بود چرا اجازه داده است این بیانیه در مجلس خوانده شود. از آن پس نیز، او تنها کسی است که در ایران سانسور می شود.
- ۸- غیر از سخن جلااد اوین، محمدی گیلانی در باره بنی صدر و در باره کسانی که بر ضد رژیم کودتا قیام کنند، این سخنان گفته شدند:
- رفسنجانی گفته بود: ۴ حکم بر اینها، مجاهدین، لازم الاجرا است.
- ۱- کشته شوند.
- ۲- به دار کشیده شوند.
- ۳- دست و پایشان قطع شود.
- ۴- از جامعه جدا شوند.
- وی افزوده بود: "اگر آن روز، اول انقلاب، ۲۰۰ نفر از این هارا می گرفتیم و اعدامشان می کردیم امروز این قدر نمی شدند".
- موسوی تبریزی نیز گفته بود: اسیرش را باید کشت، زخمیش را باید زخمی تر کرد تا کشته شود. هر کس در برابر نظام بایستد، حکمش اعدام است.
- لاجوردی که به جلااد اوین مشهور است، نیز گفته بود: ظرف مدت ۲ ساعت که از دستگیری می گذرد، محاکمه پایان می یابد و حکم صادر می شود و اجرا می گردد.
- محمدی گیلانی حاکم شرع و جلااد دیگر اوین گفته بود: این ها را که در خیابان تظاهرات مسلحانه می کنند در کنار دیوار، همانجا آنها را گلوله بزنید. بدن مجروح این گونه افراد باغی نباید به بیمارستان برده شوند بلکه باید تمام کشته شوند ، ، ، کشتن به شدیدترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بارترین حالت ممکن و دست راست و پای چپ آنها بریده شود.
- مشکینی هم گفته بود: هر کس در خیابان یا هر جای دیگر علیه حکومت اسلامی قیام کرد، همانجا باید حکم اعدامش صادر شود
- ◀ اما انتشار این قسمت از خاطرات سید حسین موسوی تبریزی شامل پیشنهاد ترور بنی صدر توسط «افرادی از عربها»، همزمان است با دریافت خبر در باره قصد رژیم به ترور بنی صدر توسط افراد غیر ایرانی. آیا نوعی اعلان خطر به بنی صدر و در همان حال، لو دادن سران مافیا و قصد جنایت کارانه ای که در سردارند است؟